

۲۶- عین الصحيح في الترجمة:

- (۱) هذه الشجرة باسقة: این، درخت بلندی است.
 (۲) هذه شجرة باسقة: این درخت، بلند است.
 (۳) هذه الاشجار باسقة: این درختان، بلند هستند.
 (۴) هذه طالبة مجتهدة: این دانش آموز، کوشا است.

۲۷- عین الترجمة الصحيحة: «إنّ الرأى لا يتحقّق بالكلام فقط بل المهمّ هو العمل و التنفيذ»

- (۱) همانا فکر و اندیشه تنها با سخن محقق نمی شود بلکه مهم، عمل کردن و اجرا کردن است.
 (۲) همانا فکر و اندیشه فقط با سخن گفتن محقق نشده است بلکه مهم، عمل کردن و اجرا کردن است.
 (۳) فکر و اندیشه تنها به سخن گفتن محقق نخواهد شد بلکه مهم، عمل و اجرا است.
 (۴) همانا فکر و اندیشه تنها با سخن محقق می شود، چرا که مهم، عمل کردن و اجرا کردن است.

۲۸- عین الترجمة الصحيحة: «الذى يكذب يُشاهد نتيجة كذبه»

- (۱) کسی که دروغ می گوید دروغ خود را می بیند.
 (۲) کسی که دروغ بگوید نتیجه دروغ را می بیند.
 (۳) کسی که دروغ می گوید دروغ خود را مشاهده می کند.
 (۴) کسی که دروغ می گوید نتیجه دروغ خود را می بیند.

۲۹- عین الترجمة الصحيحة: «ان يد الفلاح يد يحثها الله و رسوله»

- (۱) همانا دست کشاورز، دستی است که خدا و پیامبرش، آن را دوست می داشتند.
 (۲) دست فلاح، دستی است که خدا و پیامبر خدا، دوستش داشتند.
 (۳) همانا دست کشاورز، دستی است که خدا و پیامبرش، آن را دوست می دارند.
 (۴) دست کشاورز، دستی است که خدا و پیامبر، آن را دوست داشتند.

۳۰- عین الصحيح في الترجمة: «الكتابُ صديقٌ مخلصٌ يُبعدنا عن الضلالة»

- (۱) کتاب، یک دوست مخلص است که ما را از گمراهی دور می کند.
 (۲) آن کتاب، دوست با اخلاصی است که از گمراهی، دور می کند.
 (۳) کتاب، دوست با اخلاص است که از گمراهی، همه را دور می کند.
 (۴) کتاب، یک دوست با اخلاص است که ما را از گمراهی، دور ساخته است.

۳۱- عین الخطأ في معنى العبارة التالية: «ما عرّفه الفقراء و المساكينُ إلا بعد وفاته»

- (۱) ما عرّفه الفقراء و المساكينُ بعد وفاته
 (۲) هو لم يُعرّف (شناخته نشد) قبل وفاته
 (۳) لم يُعرّفه الفقراء و المساكينُ قبل وفاته
 (۴) عرّفه الفقراء و المساكينُ بعد وفاته

۳۲- عین الصحيح في تعيين عدد المعرفة:

- (۱) الذى يكذب يُشاهد نتيجة كذبه: ۳
 (۲) أنا مدينة العلم و علىّ بابها: ۵
 (۳) اللسان جرمه صغير و جرمه كبير: ۶
 (۴) اللهم صلّ على محمد و آل محمد: ۴

۳۳- عین الصحيح للفراغ: «يذهب كثيرٌ من..... في ذى الحجة الى مكة»

- (۱) المسلمین (۲) المسلمون (۳) المسلمات (۴) المسلمات

۳۴- عین الصحيح:

- (۱) تعجّب الحاضرين من هذا الأمر.
 (۲) كتبت التمرينات
 (۳) فشب الكاذبين
 (۴) ينح الصادقون

۳۵- عین الصحيح للفراغ: «هل يشكر..... ربه دائماً»

- (۱) أبوك (۲) أباك (۳) أبيك (۴) التلميذة

۳۶- عین الصحيح للفراغ: «انّ الله يُحب.....»

- (۱) المحسنين (۲) المحسنات (۳) المحسن (۴) المحسنون

۳۷- عین الصحيح للفراغ: «يُدافع..... عن الوطن الاسلامي»

- (۱) المجاهدين (۲) المجاهدين (۳) المسلمین (۴) المسلمات

۳۸- عین الخبر: «العاقل من يتعد عن الباطل»

- (۱) العاقل (۲) من (۳) يتعد (۴) من يتعد عن الباطل

۳۹- عین خير «جملة فعليته»:

- (١) المرأة هي التي سَجَرَت النور
(٢) عليٌّ هو الذي لَعِبَ مع الاطفال
(٣) الوالى لرعيته مثل الأب لأولاده (٤) المرأة الفقيرة عَرَفَتْ علياً (ع)
٤٠- عَيْنَ الجواب الذي ما جاء فيها «معرف بالاضافة»:
(١) رضوانه (٢) كتاب علي
(٣) ملائكة الله (٤) كتاب تلميذ
٤١- عَيْنَ الصحيح للفراغ: «أكـ□رم□... في جميع الأحوال.»
(١) أبوك (٢) أباك (٣) أيبك (٤) أبك
٤٢- عَيْنَ الصحيح للفراغ: «هؤلاء... في أعمالهن.»
(١) مُجتهدين (٢) مُجتهدون (٣) مُجتهدات (٤) مُجتهدات
٤٣- عَيْنَ الصحيح للفراغين: «يُجاهدُ..... في.....»
(١) المسلمین- فلسطين (٢) المسلمین- فلسطين (٣) المسلمون- فلسطين (٤) المسلمون- فلسطين
٤٤- ما هو الصحيح للفراغين: «إعمل□..... ف..... يُذهِب□□ن السيئات.»
(١) الحسنات- الحسنات (٢) الحسنات- الحسنات (٣) الحسنات- الحسنات (٤) الحسنات- الحسنات
٤٥- عَيْنَ المفعول (على الترتيب): « من لا يرحم الناس لا يرحمه الله»
(١) من- الله (٢) الناس- الله (٣) من- الله (٤) الناس- الله
٤٦- عَيْنَ الفاعل: « قد جاءكم من الله نورٌ وكتابٌ مبينٌ.»
(١) كم (٢) نور (٣) مبين (٤) كتاب
٤٧- عَيْنَ الفاعل: « اللهم لا تجعل للشيطان على عقلي سيلاً»
(١) الله (٢) هو مستتر (٣) أنت مستتر (٤) شيطان
٤٨- عَيْنَ الخبر: « المأل و البنون زينته الحياة الدنيا.»
(١) البنون (٢) زينته (٣) المأل (٤) الدنيا
٤٩- عَيْنَ الصحيح في التشكيل (حركة گذارى): «إني أحبُّ إكتساب الثواب بتهيئة الخبز.»
(١) إكتساب- الثواب- تهيئة (٢) إكتساب- الثواب- تهيئة (٣) إكتساب- الثواب- تهيئة (٤) إكتساب- الثواب- تهيئة
٥٠- عَيْنَ الفاعل الذي يختلف اعرابه عن البقية:
(١) يد□جح الصادقون (٢) فئسَل الكاذبان (٣) نَجَحَ الصادق (٤) يُر□شدك أخوك

۲۶- گزینه ۳ پاسخ است.

اگر بعد از اسم اشاره، اسم ال دار آمده باشد، در ترجمه‌ی فارسی [مکت نمی‌کنیم، ویرگول نمی‌گذاریم، اشاره را به صورت مفرد ترجمه می‌کنیم (در صورت مثنی یا جمع بودن)]

۲۷- گزینه ۱ پاسخ است.

[لا+مضارع]: معنای مضارع منفی می‌دهد.

۲۸- گزینه ۴ پاسخ است.

۲۹- گزینه ۳ پاسخ است.

۳۰- گزینه ۱ پاسخ است.

در ترجمه‌ی فارسی موصوف صفت‌های (نکره) باید توجه داشته باشیم که «ی» نکره هم می‌تواند در آخر صفت بیاید و هم می‌تواند در آخر موصوف بیاید.

جاء تلمیذ مؤدب.

دانش‌آموزی مؤدب، آمد.

دانش‌آموز مؤدبی، آمد.

یک دانش‌آموز مؤدب آمد.

۳۱- گزینه ۱ پاسخ است.

عَرَفَ ≠ ما عَرَفَ / لم يَعْرِفَ

برای منفی کردن فعل ماضی در زبان عربی از دستور [ما + ماضی] یا [لم، لما + مضارع] استفاده می‌کنیم.

۳۲- گزینه ۴ پاسخ است.

اسامی خاص مثل (علی، محمد، ...) در عربی تنوین زینت می‌گیرند تنوین زینت اسامی خاص، نباید ما را به اشتباه بیندازد و آن‌ها را به اشتباه، نکره بگیریم.

در شمارش تعداد معرفه، اگر کلمه‌ای، تکرار شود باید تکرار کلمه را، به حساب بیاوریم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ. (تعداد معرفه: ۴) [اللَّهُمَّ]: [اللَّهُ + م]

۳۳- گزینه ۱ پاسخ است.

جای خالی، نقش مجرور به حرف جر دارد.

۳۴- گزینه ۴ پاسخ است.

جای خالی در گزینه ۱، نقش فاعل دارد.

جای خالی در گزینه ۳، نقش فاعل دارد.

۳۵- گزینه ۱ پاسخ است.

جای خالی در عبارت مورد نظر، نقش فاعل مرفوع دارد و چون فعل عبارت، مذکر است باید فاعل نیز مذکر باشد از سه حالت [أبأ- أی- أبو]، حالت رفعی‌اش را انتخاب می‌کنیم.

۳۶- گزینه ۱ پاسخ است.

جای خالی در عبارت مورد نظر، نقش مفعول منصوب می‌گیرد در یک جمله فعلیه، مفعول منصوب از نظر چگونگی نوشتن، هیچ وابستگی به جنس و تعداد فعل ندارد.

۳۷- گزینه ۱ پاسخ است.

جای خالی در عبارت مورد نظر، نقش فاعل مرفوع دارد.

۳۸- گزینه ۲ پاسخ است.

«من»، موصول است عبارت بعد از موصول، جمله‌ی صله می‌باشند. در پیدا کردن خبر یک جمله‌ی اسمیه، باید جمله صله را کنار بگذاریم و از آن به عنوان خبر استفاده نکنیم.

۳۹- گزینه ۴ پاسخ است.

در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ به ترتیب، کلمات «آلی»- «آلذی»- «مثل»، خبر از نوع مفرد هستند در گزینه ۴ «عَرَفْتُ»، خبر از نوع جمله فعلیه است. «هی» و «هو» در گزینه ۱ و ۲، ضمیر فصل هستند. عبارت بعد از «آلی» و «آلذی» در گزینه ۱ و ۲، جمله صله می‌باشد و نباید آنرا خبر بگیریم.

کلمه «مثل»، حرف نیست بلکه «اسم» است و وقتی در یک جمله‌ی اسمیه نقش خبر دارد، خبر از نوع مفرد خواهیم داشت.
۴۰- گزینه ۴ پاسخ است.

کلمه کتاب چون به اسم نکره اضافه شده است معرف بالاضافه نمی‌شود.

مضاف الیه اگر نکره باشد مضاف هم معرفه نمی‌شود

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه ۱: رضوان به ضمیر «ه» اضافه شده و معرفه شده است

گزینه ۲: کتاب به علی که اسم خاص است اضافه شده و معرفه شده است

گزینه ۳: ملائکه به الله که اسم علم است اضافه شده و معرفه شده است

۴۱- گزینه ۲ پاسخ است.

در جای خالی احتیاج به مفعول داریم و اسماء خمسسه در حالت منصوبی الف می‌گیرند.

۴۲- گزینه ۴ پاسخ است.

«هؤلاء» هم برای مذکر است و هم برای مؤنث. از ضمیر «هن» متوجه می‌شویم باید در جای خالی، مؤنث بیاوریم.

۴۳- گزینه ۴ پاسخ است.

جای خالی اول احتیاج به فاعل دارد پس باید مرفوع به واو باشد و جای خالی دوم، اسم غیر منصرف است تنوین و کسره نمی‌پذیرد.

۴۴- گزینه ۴ پاسخ است.

جای خالی اول احتیاج به مفعول و جای خالی دوم احتیاج به مبتدا دارد و جمع مؤنث سالم در حالت منصوبی کسره و در حالت مرفوعی ضمه

می‌گیرد. توجه داشته باشید که «ف» نشانه شروع جمله است. آنرا با «فی» اشتباه نگیرید.

۴۵- گزینه ۴ پاسخ است.

۴۶- گزینه ۲ پاسخ است.

«کتاب» نقش معطوف دارد و مُبیین، صفت است.

۴۷- گزینه ۳ پاسخ است.

لا تَجْعَلْ □ [فعل نهی صیغه للمخاطب] می‌باشد و فاعل آن أنت مستتر می‌باشد

۴۸- گزینه ۲ پاسخ است.

۴۹- گزینه ۱ پاسخ است.

کلمه اکتساب مفعول است و باید منصوب باشد و کلمه «تَهَيَّأ» مضاف شده و مضاف ال و تنوین نمی‌پذیرد

۵۰- گزینه ۳ پاسخ است.

تمام گزینه‌ها فاعلشان با اعراب ظاهری فرعی آمده است. به ترتیب «الصادِقُون» مرفوع به «واو» است و «الکاذِبَان» مرفوع به «الف» است و

«ابوک» مرفوع به «واو» است ولی در گزینه ۳ «الصادق» مرفوع به ضمه اصلی است.

■ عین الأصح والأدق في الترجمة أو التعريب أو المفهوم للأسئلة (۲۶ - ۳۰):

۲۶- «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ ظِلْمَاتِ الْوَهْمِ وَجَنِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ».

۱) پروردگار، ما را از تاریکیهای خیال خارج نمود و از معصیت خود دور نمود.

۲) پروردگارا! ما را از تاریکیهای توهم خارج کن و از معصیت خود دور نما.

۳) خداوندا! ما را از تاریکی اوهام بیرون آور و از معاصی دور کن.

۴) خدایا! تاریکی اوهام را از ما دور کن و گناهان ما را ببخش.

۲۷- «لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ الْإِشَارَاتِ الْعِلْمِيَّةَ فِي الْآيَاتِ الْقُرْآنِيَّةِ لَيْسَتْ هَدَفًا بَحْدَ ذَاتِهَا».

۱) باید بدانیم که اشاره های علمی در آیات قرآنی خود به خود هدف نیستند.

۲) شایسته است بدانیم که اشارات علمی در قرآن ، هدف نمی باشند.

۳) به تحقیق می دانیم که نشانه های علمی در آیات قرآن ، هدف نیستند.

۴) لازم است بدانیم که اشاره های موجود در آیات قرآنی ، هدف نمی باشند.

۲۸- عین الصحيح:

۱) المرأة هي التي سحرت التنور: آن زن تنور را روشن می کند.

۲) الولاية للرعية كالآباء لأولادهم: والیان برای رعیت خود چون پدر برای فرزند هستند..

۳) اُكْتُشِفَ أَنَّهُ كَوْكَبٌ هَامِدٌ: کشف شده است که ماه ، خاموش است.

۴) أَنْتَ أَقْدَرُ مَنْ عَلَى تَهْيِئَةِ الْخَبزِ: تو تواناتر از ما بر تهیه نان هستی.

۲۹- «الكتابُ صديقٌ مخلصٌ يُعِدُّنا عن الضلالة»:

۱) کتاب، یک دوست مخلص است که ما را از گمراهی دور می کند.

۲) آن کتاب، دوست با اخلاصی است که از گمراهی، دور می کند.

۳) کتاب، دوست با اخلاص است که از گمراهی، همه را دور می کند.

۴) کتاب، یک دوست با اخلاص است که ما را از گمراهی، دور ساخته است.

۳۰- عین الخطأ في المفهوم:

۱) المرء على دين خليله و قرينه: الانسان لا يتأثر بأخلاق صديقه.

۲) عاتب أخاك بالاحسان اليه: أحسن سن إلى أخيك و إن لم يُحسن إليك.

۳) إن الرأي لا يتحقق بالكلام فقط بل المهم هو العمل: إنما الرأي يتحقق بالعمل لا بالكلام.

۴) ما عَرَفَ الفقراء و المساكينُ الامامَ إلا بعد وفاته: لم يَعْرِفِ الفقراءُ و المساكينُ الامامَ قبل وفاته

۳۱- عین الخطأ في تعيين عدد المعرفة:

۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: ۴

۱) الَّذِي يَكْذِبُ يُشَاهِدُ نَتِيجَةَ كَذِبِهِ: ۴

۴) أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا: ۵

۳) اللسان جرمه صغير و جرمه كبير: ۵

۳۲- عین الصحيح للفراغ: «يذهب كثيرٌ من في الحجة الى مكة»

۴) المسلمات - ذو

۳) المسلمات - ذي

۲) المسلمون - ذو

۱) المسلمین - ذي

۳۳- عین الخطأ للفراغ: «انَّ اللَّهَ يُحِبُّ.....»

۴) المحسنون

۳) المحسن

۲) المحسنات

۱) المحسنين

- ٣٤- عَيْنُ الْخَطَا فِي تَعْيِينِ الْخَبْرِ :
- (١) الْمَرْأَةُ هِيَ الَّتِي سَجَرَتِ النَّوْرَ : الَّتِي
(٢) الْوَالِي لِرَعِيَّتِهِ مِثْلُ الْأَبِ لِأَوْلَادِهِ : مِثْلُ
(٣) عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «هُؤُلَاءِ... فِي أَعْمَالِهِمْ.»
- ٣٥- عَيْنُ نَوْعِ الْفَاعِلِ: « قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ.»
- (١) مُجْتَهِدِينَ (٢) مُجْتَهِدُونَ
(١) ضَمِيرٌ مُسْتَرٌ (٢) ضَمِيرٌ بَارِزٌ
- ٣٦- عَيْنُ الْخَطَا فِي تَعْيِينِ نَوْعِ أَعْرَابٍ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ :
- (١) يَدٌ جَحُّ الصَّادِقُونَ : فَرَعِي (٢) فَشِلُّ الْكَاذِبَانَ : أَصْلِي
(١) عَيْنُ الْخَطَا فِي عِلَامَاتِ الْإِعْرَابِ:
- (١) أَرَأَيْتَ فِي أُخْيِكَ هَمَّةٌ عَالِيَةٌ؟ (٢) رَأَيْتُ أُخْوِكَ فِي الْمَسْجِدِ.
(٣) رَأَيْتُ كَثِيرًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي ذِي الْحِجَّةِ.
(٤) أَكْرَمُ أَبَاكَ وَ إِنْ لَمْ يُكْرَمِ □ مَكَ.
- ٣٧- عَيْنُ نَوْعِ الْخَبْرِ: «الْعَاقِلُ مَنْ إِبْتَعَدَ عَنِ الْبَاطِلِ»
- (١) مَفْرُودٌ (٢) شَبِيهُ جَمَلِهِ
(٣) جَمَلُهُ فَعْلِيهِ (٤) جَمَلُهُ اسْمِيهِ
- ٤٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: « يَجْتَهِدُ..... فِي أَعْمَالِهِمْ »
- (١) الْمُؤْمِنَانِ (٢) الْمُؤْمِنُ
(١) مَصَابِيحٌ (٢) مَصَابِيحٍ
(١) فِرْعَوْنَ (٢) فِرْعَوْنَ (٣) فِرْعَوْنَ (٤) فِرْعَوْنَ
- ٤١- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: « زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا ب..... »
- (١) مَصَابِيحٌ (٢) مَصَابِيحٍ
(١) فِرْعَوْنَ (٢) فِرْعَوْنَ (٣) فِرْعَوْنَ (٤) فِرْعَوْنَ
- ٤٢- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: « وَ أَر □ سَد □ نَا إِلَى..... رَسُولًا »
- (١) فِرْعَوْنَ (٢) فِرْعَوْنَ (٣) فِرْعَوْنَ (٤) فِرْعَوْنَ
- ٤٣- عَيْنُ أَعْرَابٍ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ: « إِع □ مَلِ الْحَسَنَاتِ فَالْحَسَنَاتُ يُذْهِبُ السَّيِّئَاتِ »
- (١) فَرَعِي - فَرَعِي (٢) أَصْلِي - أَصْلِي (٣) أَصْلِي - فَرَعِي (٤) فَرَعِي - أَصْلِي
- ٤٤- عَيْنُ أَعْرَابٍ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ: « لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلسَّائِلِينَ »
- (١) أَصْلِي - فَرَعِي (٢) فَرَعِي - فَرَعِي (٣) أَصْلِي - أَصْلِي (٤) فَرَعِي - أَصْلِي
- ٤٥- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغَاتِ: « إِلَى مَتَى تَعُدُّ □ بُدُّ فِي..... وَ تَدُّ □ زُكُّ... الدُّنْيَا »
- (١) مَسَاجِدَ - لَذَاتِ (٢) مَسَاجِدَ - لَذَاتِ (٣) مَسَاجِدَ - لَذَاتِ (٤) مَسَاجِدَ - لَذَاتِ
- ٤٦- عَيْنُ أَعْرَابٍ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ: « خَرَجَ الطِّفْلُ مِنَ الْبَيْتِ »
- (١) فَاعِلٌ مَرْفُوعٌ (٢) خَبْرٌ مَرْفُوعٌ (٣) مَبْتَدَأٌ مَرْفُوعٌ (٤) مَفْعُولٌ مَرْفُوعٌ
- ٤٧- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: « تَعَجَّبَ..... مِنْ هَذَا الْأَمْرِ »
- (١) الْحَاضِرِينَ (٢) الْحَاضِرَاتُ (٣) الْحَاضِرُونَ (٤) الْحَاضِرُ
- ٤٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «..... مِنْ □ يُسَاعِدُنَا فِي الشَّدَائِدِ»
- (١) أَخُونَا (٢) أَخَانَا (٣) أَخِينَا (٤) أَخْنَا
- ٤٩- مَا هُوَ الْخَطَا عَنْ كَلِمَةِ « الْمَسَاكِينِ » فِي عِبَارَةِ « هَذَا جَزَاءٌ مِنْ □ نَبِيِّ الْمَسَاكِينِ »:
- (١) جَمْعٌ مَكْسَرٌ (٢) مَفْعُولٌ مَرْفُوعٌ (٣) مُعْرَفٌ بِأَلٍ (٤) مَرْفُوعٌ بِأَعْرَابٍ فَرَعِي
- ٥٠- عَيْنُ أَعْرَابٍ مَا أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ: « الصَّادِقُونَ يَدُ □ جِحُونَ »
- (١) مَبْتَدَأٌ مَرْفُوعٌ (٢) فَاعِلٌ مَرْفُوعٌ (٣) مَفْعُولٌ مَرْفُوعٌ (٤) خَبْرٌ مَرْفُوعٌ

۲۶- گزینه ۲ پاسخ است.

زیرا معادل صحیح کلمات جمله مورد نظر عبارت است از: «رَبَّنَا = پروردگارا، پروردگار ما»، «أَخْرَجْنَا = ما را خارج کن»، «من ظلمات الوهم = از تاریکیهای توهم»، «جَنَّبْنَا = ما را دور نما»، «مَعْصِيَتِكَ = معصیت خود».

۲۷- گزینه ۱ پاسخ است.

زیرا معادل صحیح کلمات جمله مورد نظر عبارت است از: «لِنَعْلَمَ = باید بدانیم»، «أَنَّ = که»، «الإشارات العلمية = اشاره های علمی»، «فی الآيات القرآنية = در آیات قرآنی»، «ليست هدفاً = هدف نیستند» و «يَحَدُّ ذاتها = خودبخود».

۲۸- گزینه ۴ پاسخ است.

زیرا معادل صحیح کلمات سایر گزینه ها عبارت است: «المرأة هي التي = آن زن همان کسی است که»، «سَجَرَتِ النَّوْرِ = تنور را روشن کرد»، «الولادة = والیان»، «للرعية = برای رعیت»، «كآباء = چون پدران»، «لأولادهم = برای فرزندان خود»، «اُكْتُشِفَ = کشف شد»، «أَنَّهُ = که آن»، «كوكبٌ = ستاره ای» و «هَامِدٌ = خاموش» است.

۲۹- گزینه ۱ پاسخ است.

در ترجمه فارسی موصوف صفت های (نکره) باید توجه داشته باشیم که «ی» نکره هم می تواند در آخر صفت بیاید و هم می تواند در آخر موصوف بیاید.

جاء تلميذٌ مودبٌ.

دانش آموزی مؤدب، آمد.

دانش آموز مؤدبی، آمد.

یک دانش آموز مؤدب آمد.

۳۰- گزینه ۱ پاسخ است.

۳۱- گزینه ۴ پاسخ است.

اسامی خاص مثل (علی، محمد، ...) در عربی تنوین زینت می گیرند تنوین زینت اسامی خاص، نباید ما را به اشتباه بیندازد و آن ها را به اشتباه، نکره بگیریم.

در شمارش تعداد معرفه، اگر کلمه ای، تکرار شود باید تکرار کلمه را، به حساب بیاوریم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (تعداد معرفه: ۴) [اللَّهُمَّ]: [اللَّهُ + م]

۳۲- گزینه ۱ پاسخ است.

جای خالی، نقش مجرور به حرف جر دارد.

۳۳- گزینه ۴ پاسخ است.

جای خالی در عبارت مورد نظر، نقش مفعول منصوب می گیرد در یک جمله فعلیه، مفعول منصوب از نظر چگونگی نوشتن، هیچ وابستگی به جنس و تعداد فعل ندارد. بنابراین هر کلمه ای که منصوب است می تواند گزینه درستی باشد.

۳۴- گزینه ۴ پاسخ است.

در گزینه های ۱، ۲ و ۳ به ترتیب، کلمات «الَّتِي» - «الَّذِي» - «مِثْل» خیر از نوع مفرد هستند در گزینه ۴ «عَرَفْتُ»، خیر از نوع جمله فعلیه است. «هی» و «هو» در گزینه ۱ و ۲، ضمیر فصل هستند. عبارت بعد از «الَّتِي» و «الَّذِي» در گزینه ۱ و ۲، جمله صله می باشد و نباید آن را خیر بگیریم.

کلمه «مِثْل»، حرف نیست بلکه «اسم» است و وقتی در یک جمله ای اسمیه نقش خیر دارد، خیر از نوع مفرد خواهیم داشت.

۳۵- گزینه ۲ پاسخ است.

«هُؤُلَاءِ» هم برای مذکر است و هم برای مؤنث. از ضمیر «هم» متوجه می شویم باید در جای خالی، مذکر بیاوریم.

۳۶- گزینه ۳ پاسخ است.

«کتابٌ» نقش معطوف دارد و مُبَيَّنٌ، صفت است و نَوْزٌ فاعل می باشد.

۳۷- گزینه ۲ پاسخ است.

«الصادِقُونَ» مرفوع به «واو» است و «الکاذِبَانِ» مرفوع به «الف» است و «ابوک» مرفوع به «واو» است و «الصادق» مرفوع به ضمه اصلی است.

۳۸- گزینه ۲ پاسخ است.

۳۹- گزینه ۱ پاسخ است.

«من»، موصول است عبارت بعد از موصول، جمله‌ی صله می‌باشند. در پیدا کردن خبر یک جمله‌ی اسمیه، باید جمله صله را کنار بگذاریم و از آن به‌عنوان خبر استفاده نکنیم.

۴۰- گزینه ۳ پاسخ است.

ضمیر «هم» در عبارت مورد نظر، نشان می‌دهد که گزینه ۱ و ۲ و ۴ غلط است.

- ۴۱- گزینه ۱ پاسخ است.
 [مصاییح] غیرمنصرف است به جای ، حرکت می گیرد.
- ۴۲- گزینه ۲ پاسخ است.
 [فرعون] غیرمنصرف است به جای ، حرکت می گیرد.
- ۴۳- گزینه ۱ پاسخ است.
 [الحسنات و السيئات] جمع مؤنث سالم هستند و در حالت نصب ، به جای نصب ، جر می گیرند.
- ۴۴- گزینه ۲ پاسخ است.
 [یوسف] غیر منصرف است. [سائیلین] جمع مذکر سالم است.
- ۴۵- گزینه ۱ پاسخ است.
 [مساجد] غیرمنصرف است. [لذات] جمع مؤنث سالم برای [لذة] می باشد. بنابراین در حالت نصبی ، به جای نصب ، جر می گیرد.
- ۴۶- گزینه ۱ پاسخ است.
 ۴۷- گزینه ۳ پاسخ است.
- [تَعَجَّبَ] صیغه مفرد مذکر غائب (فعل ماضی) از باب تفعّل است [تَعَجَّبَ يَتَعَجَّبُ تَعَجُّبًا] و در جای خالی ، نقش فاعل می خواهد.
 ۴۸- گزینه ۱ پاسخ است.
 جای خالی نقش مبتدا مرفوع دارد و اسماء خمسه در حالت مرفوعی ، با [واو] نوشته می شوند.
- ۴۹- گزینه ۴ پاسخ است.
 [المساكين] جمع مکسر است و اعرایش اصلی است (جمع مذکر سالم نیست که اعرایش فرعی باشد).
- ۵۰- گزینه ۱ پاسخ است.

■ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو التعريب أو المفهوم (۲۶-۳۳):

۲۶- «الاسلام يُشجّع المسلمین علی التفکر و التعلّم»

- (۱) تفکر و یادگیری مسلمانان را اسلام تشویق نموده است.
 (۲) اسلام انسان را به تفکر و علم تشویق کرده است.
 (۳) اسلام مسلمانان را به تفکر و یادگیری تشویق می کند.
 (۴) اسلام مسلمانان را به تفکر و تعلّم تشویق می کرد.

۲۷- «فی بداية الأمر ما شاهد تقدماً فی درسه.»

- (۱) در آغاز کار آن چه مشاهده کرد پیشرفت در درس بود.
 (۲) در ابتدا آنچه از پیشرفت را که مشاهده کرد در درسش بود.
 (۳) در ابتدای کار پیشرفتی در درس مشاهده نکرد.
 (۴) در آغاز کار در درسش پیشرفتی مشاهده نکرد.

۲۸- عین الصحيح:

- (۱) و السلام علی من اتبع الهدی: سلام بر کسی که از هدایت پیروی می کرد.
 (۲) العاقل من یعتبر بالتجارب: عاقل کسی است که از تجربه‌ها عبرت بگیرد.
 (۳) إنما أصل الفتنی ما قد حصل: همانا اصل و نسب جوانمرد چیزی است که به دست می آورد.
 (۴) قصدت الرجوع إلى هذه المكتبة: بازگشت به آن کتابخانه را خواستم.

۲۹- «انسان حقیقت ماه را در قرن بیستم بعد از فرود آمدن اولین انسان بر سطح آن شناخت»

- (۱) الانسان عرف حقیقة القمر فی القرن العشرين بعد هبوط انسان علی سطحها.
 (۲) الحقیقة أنّ الانسان عرف القمر فی العشرين بعد نزول اول انسان علی سطحه.
 (۳) عرف الانسان حقیقة القمر فی القرن العشرين بعد هبوط اول انسان علی سطحه.
 (۴) أنّ حقیقة القمر قد عُرف فی القرن العشرين بعد هبوط الانسان علی سطحه.

۳۰- «یحسب الناس من یصادق الصالحین واحداً منهم!»:

- (۱) مردم کسی را که با صالحان دوستی می کند، یکی از آنان بشمار می آورند!
 (۲) هر کس با شخص نیکوکار صدق بورزد، یکی از مردمان نیکوکار بشمار می آید!
 (۳) هر کس دوست نیکوکار باشد، مردم او را نیز نیکوکار بحساب می آورند!
 (۴) مردم هر کس را که به افراد صالح راست بگویند، او را صالح حساب می کنند!

۳۱- عین الخطأ:

- (۱) معلّمان، ما را به پیشرفت تشویق می کنند: یُشجّعوننا المعلّمون علی التقدّم.
 (۲) آیا آرزوهای خود را کم کرده‌ای؟: هل قَصَرَ □ ت آمالک؟
 (۳) من علم را می جویم و تبلی نمی کنم: أنا أطلب □ لئلب العلم و لأأک □ سل.
 (۴) ایام جوانی را غنیمت شمارید: إغ □ تنموا ایام الشّباب.

۳۲- عین الصحيح فی المفهوم: «لیس من یقطع طُرُقاً بطلاً

- (۱) البطل من قطع الطريق
 (۲) البطولة (قهرمانی) فی تقوی الله
 (۳) من یقطع الطريق هو البطل
 (۴) المتقی هو قاطع الطريق

۳۳- عین الصحيح فی المفهوم:

- (۱) عاتب أخاک بالاحسان الیه: أح □ من □ إلى أخیک و إن لم یُحسِن □ إلیک.
 (۲) المرء علی دین خلیله و قرینه: الانسان لا یتأثر بأخلاق صدیقه.
 (۳) ما عَرَفَ الفقراء و المساکینُ الامامَ إلا بعد وفاته: یعرف الفقراء و المساکینُ الامامَ قبل وفاته
 (۴) انّ السماوات و الارض کانتا رتقاً فَفَتَقَ □ ناهما: کانت السماوات و الارض مُنفصلتین من البداية

۳۴- عین الصحيح حسب قواعد الاسم المنقوص:

- (۱) جاء رجلٌ ساعیً (۲) جاء رجلٌ ساعاً
 (۳) رأیت رجلاً ساعاً (۴) سلّمْتُ علی رجلٍ ساعٍ

۳۵- عین الخطأ للفراغ: «دَخَلْتُ فی...»

- (۱) مساجد (۲) مساجدِ المدینة
 (۳) المساجدِ (۴) مساجدِ

۳۶- عین الصحيح للفراغ: «..... فی اعمالهم»

- (۱) اجتهَدَ المؤمنان (۲) یجتهدُ المؤمنان
 (۳) اجتهَدوا المؤمنون (۴) یجتهدُ المؤمنون

٣٧- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ اِعْرَابِ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِمَا بِخَطِّ: «أَخَذَ الرَّاعِي عَصَاهُ بِيَدِهِ وَ ذَهَبَ»

(١) فاعل مرفوع محلاً- مفعول منصوب تقديرياً

(٢) فاعل مرفوع تقديرياً- مفعول به و منصوب تقديرياً

(٣) فاعل مرفوع تقديرياً- مفعول به منصوب لفظاً

(٤) فاعل و مرفوع لفظاً- مفعول منصوب محلاً

٣٨- كم كلمة لها اعراب فرعي: « يذهب كثير من المسلمين في ذى الحجة إلى مكة»

(١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

٣٩- ما هو اعراب ما أُشير إليه بخط: « كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْؤُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ»

(١) مجرور باعراب ظاهري- مجرور محلاً

(٢) مجرور تقديرياً- منصوب محلاً

(٣) مرفوع تقديرياً- مجرور محلاً

(٤) مجرور تقديرياً- مجرور محلاً

٤٠- عَيِّنِ الْجَوَابَ الَّذِي كُلُّهُ مِنَ الْأَسْمَاءِ الْمَنْقُوصَةِ:

(١) الراضي- الودح- الوادي- موسى

(٢) الراضي- الراعي- الوالي- المعاصي

(٣) الرازي- النبي- السعدي- الوادي

(٤) الدنيا- الباقي- الهوي- الظبي

٤١- ما هو اعراب «أذى» في هذه العبارة: «فَأَحْذَرُ □ □ □ من أذى هذا الحيوان»

(١) محلاً مجرور (٢) تقديرياً مجرور (٣) محلاً مرفوع (٤) تقديرياً مرفوع

٤٢- ما هو الصحيح في تشكيل العبارة التالية: « سَلَّمَ □ □ □ ت علي يوسف و هو يساعد المعلمات في مدارس..»

(١) يوسف - المعلمات - مدارس

(٢) يوسف - هُوَ - يُسَاعِدُ

(٣) يوسف - المعلمات - مدارس

(٤) يوسف - يُسَاعِدُ - مدارس

٤٣- كم إسماً ممنوعاً من الصرف في العبارة التالية؟ «لمساجد إصفهان مكتبات قيّمة فذهبنا مع صديقتي مريم لزيارتها»

(١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

٤٤- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَائِغَاتِ: «جاء..... و رأيتُ..... و سلّمتُ على....»

(١) قاضٍ - قاضٍ - قاضٍ

(٢) قاضٍ - قاضياً - قاضٍ

(٣) قاضٍ - قاضياً - قاضٍ

(٤) القاضي - القاضي - القاضي

٤٥- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

(١) الداعى الى الخير كفاعله.

(٢) رأيتُ راعٍ في المزرعة.

(٣) سلّم □ □ □ ت علي راعٍ.

(٤) هو راعٍ في المزرعة.

٤٦- عَيِّنِ اِعْرَابَ مَا أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ: «آثار أيدى الذئب مشهودة في سرقة النعاج»

(١) مجرور محلاً (٢) مرفوع تقديرياً (٣) مجرور باعراب ظاهري (٤) مجرور تقديرياً

٤٧- عَيِّنِ نَوْعَ اِعْرَابِ مَا أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ: «إلى متى تع □ □ □ بُد في المساجد و المعابد في هذه الدنيا و تت □ □ □ رُك لذاتها»

(١) فرعي - فرعي - تقديرى (٢) فرعي - فرعي - فرعي (٣) اصلي - اصلي - اصلي (٤) فرعي - فرعي - اصلي

٤٨- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ اِعْرَابِ «القاضي / قاضٍ»: «رأيتُ القاضي يحكم بالقسط و هو قاضٍ عادلٌ»

(١) منصوب ظاهراً / مرفوع تقديرياً (٢) منصوب تقديرياً / منصوب تقديرياً

(٣) مرفوع تقديرياً / مرفوع تقديرياً

(٤) منصوب ظاهراً / مرفوع ظاهراً

٤٩- عَيِّنِ اِعْرَابَ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ: «هَرَبَ هَذَا الذئب نحو المزرعة»

(١) مرفوع تقديرياً (٢) مرفوع محلاً (٣) منصوب باعراب ظاهري (٤) مرفوع باعراب ظاهري

٥٠- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَائِغِ:

(١) لائِب □ □ □ طُلو □ □ □ كُم بالمن □ □ □ (صدقات)

(٢) عَلم □ □ □ ت (التلميذات)

(٣) إ □ □ □ ترم □ □ □ (المعلمات)

(٤) ل □ □ □ ترم □ □ □ كُم فوق صوت النبي (ص). (أصوات)

۲۶- گزینه ۳ پاسخ است.

۲۷- گزینه ۴ پاسخ است.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: فعل «ماشاهد» منفی است و ضمیر «ه» ترجمه نشده است.

گزینه ۲: هم فعل غلط ترجمه شده و هم «ما» به صورت موصول ترجمه شده است.

گزینه ۳: ضمیر «ه» در «درسه» ترجمه نشده است.

۲۸- گزینه ۲ پاسخ است.

گزینه ۱: فعل «اتبع» فعل ماضی از باب افتعال است، که به صورت ماضی استمراری ترجمه شده است.

گزینه ۳: «قد حصل» باید به صورت ماضی نقلی ترجمه شود.

گزینه ۴: «آن» ترجمه‌ی درستی برای «هذه» نمی‌باشد.

۲۹- گزینه ۳ پاسخ است.

گزینه ۱: «العشرون» غلط است و «اول» نوشته نشده است. همچنین قمر مذکر است و ضمیر «ها» در «سطحها» نیز اشتباه به کار رفته است.

گزینه ۲: «الحقیقه» ابتدای جمله به صورت «حقیقت این است که» ترجمه می‌شود و «القرن» نوشته نشده است.

گزینه ۴: «انسان» و «اولین» تعریب نشده است.

۳۰- گزینه ۱ پاسخ است.

«صَادِقٌ يُصَادِقُ» به معنای «دوستی کردن» می‌باشد.

۳۱- گزینه ۱ پاسخ است.

اگر فاعل فعل، اسم ظاهر باشد، نمی‌تواند در اول جمله به صورت جمع بیاید. اما در گزینه ۱ به صورت جمع آمده است.

۳۲- گزینه ۲ پاسخ است.

۳۳- گزینه ۱ پاسخ است.

۳۴- گزینه ۴ پاسخ است.

کلمه «ساعی»، اسم منقوص است.

ساعی + تنوین نصب ← ساعياً

ساعی + تنوین رفع ← ساعٍ (ساعی غلط است)

ساعی + تنوین جر ← ساعٍ (ساعی غلط است)

۳۵- گزینه ۴ پاسخ است.

مساجد غیر منصرف است. غیر منصرف‌ها، تنوین نمی‌گیرند و بجای حرکت، حرکت می‌گیرند. طبق دستور، غیر منصرف‌ها، اگر مضاف باشند یا «أل» داشته باشند، مشکلی با حرکت ندارند.

۳۶- گزینه ۴ پاسخ است.

ضمیر «هم» در عبارت مورد نظر، نشان می‌دهد که گزینه ۱ و ۲ که «المؤمنان» دارد غلط است. گزینه ۳، به صورت «إِجْتَهَدَ الْمُؤْمِنُونَ»، درست می‌باشد.

۳۷- گزینه ۲ پاسخ است.

کلمه (الرَاعِي) فاعل جمله می‌باشد و چون اسم‌های منقوص در (رفع و جر) اعراب تقدیری دارند پس تقدیراً مرفوع و کلمه (عصا) مفعول به می‌باشد و چون اسم مقصور می‌باشد پس تقدیراً منصوب است.

۳۸- گزینه ۳ پاسخ است.

۱- مسلمین «جمع مذکر سالم» ۲- ذی «از اسماء خمسسه» ۳- مَكَّة «از اسماء غیرمنصرف»

۳۹- گزینه ۳ پاسخ است.

کلمه (رَاع) اسم منقوص است که چون بدون (أل) بکار رفته است (ی) از آخر آن حذف شده و به همین خاطر اعراب آن تقدیری است و چون (کم) ضمیر متصل و مبنی می‌باشد اعراب آن محلی است ولی از نظر نقش (رَاع) خبر و مرفوع است لذا اعراب آن تقدیراً مرفوع و ضمیر (کم) مضاف الیه می‌باشد لذا محلاً مجرور است.

۴۰- گزینه ۲ پاسخ است.

همانطور که می‌دانیم اسم منقوص اسمی است که به (ی-) ختم شود و همچنین (ی) تشدید دار نباشد که در گزینه دوم این شرایط وجود دارد. تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه ۱ در این گزینه (موسی) مقصور است نه منقوص و کلمه (وح□ی) ما قبل آن ساکن است.

گزینه ۳ در این گزینه (الرازی) و (النبی) تشدید دار می‌باشد و (السع□ی) نیز ما قبل (ی) ساکن است.

گزینه ۴ در این گزینه (الدنیا) و (الهوی) اسم مقصور است و (الظب□ی) نیز ما قبل (ی) ساکن است.

۴۱- گزینه ۲ پاسخ است.

معنی عبارت: « حذر کن از اذیت این حیوان»

کلمه « اذی » مقصور است و اعرایش تقدیری است.

کلمه (هذا) اسم اشاره است که جزء اسامی مبنی می‌باشد و اعراب اسامی مبنی (محلاً) می‌باشد و چون مضاف الیه می‌باشد پس (محلاً مجرور) صحیح می‌باشد.

۴۲- گزینه ۳ پاسخ است.

یوسف، غیرمنصرف است. پس در حالت جرّ به جای کسره، فتحه می‌گیرد.

« المعلمات » جمع مونث سالم است. « مدارس » غیرمنصرف است.

۴۳- گزینه ۳ پاسخ است.

در عبارت سؤال «مساجد- اصفهان- مریم» غیرمنصرف هستند.

۴۴- گزینه ۳ پاسخ است.

« القاضی » و « القاضی » درست نیست چرا که اعرایشان تقدیری است و نمی‌تواند - و - پذیرد.

۴۵- گزینه ۳ پاسخ است.

کلمات منقوص فقط نصبشان را به صورت ظاهری نشان می‌دهند. ضمناً اسم‌های منقوص در صورت نکره بودن، در دو حالت رفعی و جرّی با تنوین جرّ می‌آیند و حرف «ی» از آخر آنها حذف می‌شود.

۴۶- گزینه ۴ پاسخ است.

معنی عبارت: « آثار دستان گرگ مشهود است»

« ایدی » جمع مکسر «ید» و یک اسم منقوص است و نقش مضاف الیه دارد.

۴۷- گزینه ۳ پاسخ است.

« مساجد و معابد » غیرمنصرف هستند ولی چون «ال» دارند می‌توانند حرکت - پذیرند. بنابراین اعرایشان اصلی است. «الدنیا» اسم مقصور است و اعرایش تقدیری است. « لذات » جمع مونث سالم است و مفردش « لذة » می‌باشد و چون نقش منصوبی دارد به جای - ، - می‌گیرد و اعرایش فرعی است.

۴۸- گزینه ۱ پاسخ است.

اسامی منقوص نصب خود را به صورت ظاهری و رفع و جرّشان را به صورت تقدیری نشان می‌دهند و در صورت نکره بودن، در دو حالت رفعی و جرّی با تنوین جرّ می‌آیند و حرف «ی» از آخر آنها حذف می‌شود.

۴۹- گزینه ۲ پاسخ است.

«هذا»، اشاره و مبنی است پس اعرایش محلی است.

۵۰- گزینه ۴ پاسخ است.

« أصوات، أموات، أوقات » کلماتی هستند که جمع مکسر هستند ولی با جمع مونث سالم اشتباه گرفته می‌شوند. بنابراین در حرکت گذاری آنها باید دقت کنیم چرا که هیچ مشکلی با اعراب نصب ندارند و می‌توانند نصب را بپذیرند.

■ عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوِ الْمَفْهُومِ (۲۶-۳۳):

۲۶- «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»

۱) از مؤمنان مردان صادق هستند که بر آنچه با خدا پیمان می‌بندند وفا می‌کنند.

۲) مردان مؤمن بر آنچه با خدا پیمان بستند وفا کردند.

۳) از مؤمنان مردانی هستند که بر آنچه با خدا پیمان بستند وفا کردند.

۴) از مؤمنان مردانی بر آنچه خداوند با آنان پیمان بسته بود وفا کردند.

۲۷- «تَشَنُّجِي شَدِيدِشْ أَوْ رَا دَرِ اَيْنِ هَوَايِ كَرَمِ اَزِ پَايِ دَرَمِي آوَرْدِ»:

۱) عطش شدید یقته فی هذا الجوّ الحارّ ۲) عطشه شدید یقته فی هذا الجوّ الحارّ

۳) العطشه الشدید یقته فی هذا الجوّ الحارّ ۴) عطشه الشدید یقته فی هذا الجوّ الحارّ

۲۸- «رَأَيْتُ عَالِمًا يُفْتَشُّ عَن كِتَابٍ يُسَاعِدُهُ فِي الْبَحْثِ.»

۱) دانایی را دیدم که به دنبال کتاب‌هایی بود که او را در تحقیق یاری بکند.

۲) دانشمندی را دیدم که دنبال کتابی می‌گشت که وی را در کاوش کمک کند.

۳) عالمی را مشاهده نمودم که در جستجوی کتاب‌هایی است که او را در تحقیقات مساعدت کند.

۴) عالمی را می‌بینم که دنبال کتابی می‌گردد که وی را در کاوش کمک کند.

۲۹- «الطَّبِیْعَةُ كَانَتْ حَيَوَانَ شَاعِرٍ يَعْرِفُ الطَّبِیْعَةَ وَ جَمَالَهَا وَ يَعِشُهَا.»

۱) گوئی آهو شاعری است که زیبایی طبیعت را شناخته و بدان عشق می‌ورزد.

۲) آهو حیوان شاعر و با احساسی بود که طبیعت و زیبایی آن را می‌شناخت و عاشق آن بود.

۳) آهو حقیقتاً حیوانی شاعر و با احساس است که زیبایی طبیعت را می‌داند و عاشقانه آن را می‌ستاید.

۴) آهو گوئی حیوان با احساسی است که طبیعت و زیبایی آن را می‌شناسد و بدان عشق می‌ورزد.

۳۰- «رَأَيْتُ الْكِتَابَ صَدِيقًا مُخْلِصًا يُعِدُّنَا عَنِ الضَّلَالَةِ وَ يُرْشِدُنَا إِلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.»:

۱) کتاب را دوست مخلص دیدم که از گمراهی دورمان می‌سازد و به راه مستقیم نزدیک می‌کند.

۲) کتاب را دوستی با اخلاص دیدم که ما را از ضلالت دور می‌سازد و به راهی راست ارشادمان می‌کند.

۳) کتاب دوستی با اخلاص است که ما را از گمراهی دور می‌سازد و به راه مستقیم نزدیک می‌کند.

۴) من کتاب را دوستی با خلوص دریافتم که مرا از ضلالت دور ساخته و به راهی راست هدایت کرد.

۳۱- «حَدَّرْتُ الْأَطْفَالَ مِنْ أَذَى الْحَيَوَانَاتِ وَ مِنْ جَعَلِ الْفَحِّ فِي طَرِيقِهَا.»

۱) کودکان از اذیت جانوران و تله‌گذاری در راه آنها بر حذر شدند.

۲) اطفال را از آزار رساندن به حیوانات و گذاشتن دام در راه آنها بر حذر داشتم.

۳) باید کودکان از آزار حیوانات و به دام انداختن آنها دوری کنند.

۴) دوری از اذیت جانوران و در دام انداختن آنها برای اطفال واجب است.

۳۲- «لَمَّا سَافَرْنَا إِلَى غَابَاتِ مَازَنْدَرَانَ الْجَمِيلَةِ رَأَيْنَا هُنَاكَ طَبِیْعًا عَلِيَّ التَّلَالِ.»:

۱) به جنگلهای مازندران زیبا که مسافرت کردیم، آهوئی را بر روی تپه دیدیم.

۲) ما وقتی به بوستان‌های زیبا در مازندران سفر کردیم، بر روی بلندیها آن آهو را دیدیم.

۳) وقتی ما به باغ‌های زیبای مازندران رفتیم، آن جا بر روی تپه‌ها آهو مشاهده کردیم.

۴) هنگامی که به جنگل‌های زیبای مازندران سفر کردیم، آن جا آهوئی را بر روی تپه‌ها دیدیم.

۳۳- «هَذَا أَمْرٌ وَاضِحٌ. هُوَ لِأَنَّ النَّاسَ يُكْرَهُونَنِي لِأَنَّنِي أَصِيدُ لَهُمْ وَ لَا أَتَكَلَّمُ.»

۱) این امر واضح است. این مردم مرا گرامی می‌دارند تا برایشان شکار کنم و حرف نزنم.

۲) این امر واضحی است. این مردم گرامی می‌دارند آنکه را برایشان شکار می‌کند و حرف نمی‌زند.

۳) این امر واضحی است. اینها مردمی هستند که مرا گرامی می‌دارند چون شکار می‌کنم و سخن نمی‌گویم.

۴) این امری واضح است. این مردم مرا گرامی می‌دارند چون برایشان شکار می‌کنم و سخن نمی‌گویم.

۳۴- كَمْ نَعْتًا (صفت) فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «وَجَدْتُ الْكِتَابَ صَدِيقًا مُخْلِصًا يُعِدُّنَا عَنِ الضَّلَالَةِ وَ يُرْشِدُنَا إِلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.»

- ٣٥- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ عِلَامَاتُ الْإِعْرَابِ التَّقْدِيرِيَّةُ:
 (١) الواحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة
- (١) الداعي إلى الخير كفاعله.
 (٢) إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ.
 (٣) ذلك السارق الذي سَرَقَ الظبيَّ قوًى.
 (٤) قلب المؤمن معدن التقوى و التقوى مُنْجِحٌ
- ٣٦- ما هو الصحيح للفراغ: «لغةُ المسلمينِ هي اللغة العربية»
 (١) المشتركة (٢) المشتركون (٣) المشتركة (٤) مشتركة
- ٣٧- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:
 (١) جميع هذه الشركة حاضرون (مهندسين)
 (٢) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ العالم (مُسْلِمِينَ)
 (٣) يُدَافِعُ عن المظلومين (المُسْلِمِينَ)
 (٤) رَأَيْتُ في مَكَّةِ الْمَكْرَمَةِ (المُسْلِمِينَ)
- ٣٨- كم إعراباً تقديرياً في العبارة التالية: «سافرنا في إحدى الرحلات إلى جزيرة استوائية نُفَّتَشُ عن آثار طَبِيّ ذى قرون جميلة»
 (١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة
- ٣٩- عَيْنَ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ:
 (١) يَنْجَحُ عِبَادَ اللَّهِ (الصالحون)
 (٢) السَّلامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ (الصالحين)
 (٣) أولئك عِبَادَ اللَّهِ (الصالحين)
 (٤) إِنِّي أَحْبَبْتُ عِبَادَ اللَّهِ (الصالحين)
- ٤٠- عَيْنَ الْجُمْلَةِ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا الْمَمْنُوعُ مِنَ الصَّرْفِ:
 (١) وَزَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحِ.
 (٢) لَا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ.
 (٣) أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ.
 (٤) لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَلَكِّينِ.
- ٤١- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي تَعْيِينِ نَوْعِ إِعْرَابِ:
 (١) المَنَافِقُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ: أصلي
 (٢) زُرْتُ إِحْدَى الْجُزُرِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ: تقديري
 (٣) يُشَاهِدُ الْإِنْسَانَ عَجَائِبُ الطَّبِيعَةِ دَائِماً: أصلي
 (٤) أَحْتَرِمُ وَالِدَيْكَ فِي كُلِّ حَالٍ: تقديري
- ٤٢- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّشْكِيلِ: «لَمَّا شَاهَدَ الْمَكَانَةَ الرَّفِيعَةَ لِلْعُلَمَاءِ فِي مَحَافِلٍ عَدِيدَةٍ عَزَمَ عَلَى الذَّهَابِ إِلَى خَوَارِزْمِ.»
 (١) المَكَانَةَ- محافل- عديدة- خوارزم
 (٢) للعلماء- محافل- عديدة- خوارزم
 (٣) الرفيعة- محافل- عديدة- خوارزم
 (٤) المَكَانَةَ- محافل- عديدة- خوارزم
- ٤٣- عَيْنَ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ: «ذَهَبْتُ إِلَى
- (١) مساجد (٢) المساجد (٣) مساجد طهران (٤) مساجد كثيرة
- ٤٤- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «الحسنُ و الحسينُ شبابُ أهلِ الجَنَّةِ»
 (١) سيّدان (٢) سيّدا (٣) سيّدي (٤) سيّدين
- ٤٥- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «إِنِّي أَحْبَبْتُ إِخْوَانِي
- (١) المَجْدُونَ (٢) المَجْدِيْنَ (٣) المَجْدِيْنَ (٤) المَجْدَاتِ
- ٤٦- عَيْنَ الْإِعْرَابِ الْفَرَغِي:
 (١) فِلَسْطِينَ أَرْضُ الْأَنْبِيَاءِ (٢) الْأَعْدَاءُ غَضَبُوا فِلَسْطِينَ
 (٣) سَلَامٌ عَلَى فِلَسْطِينَ (٤) فَرِحَتْ فِلَسْطِينَ لِلنَّصْرِ
- ٤٧- عَيْنَ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ: «يَجْتَهِدُ فِي الْأُمُورِ»
 (١) الْمُؤْمِنُ (٢) الْمُؤْمِنَانِ (٣) الْمُؤْمِنُونَ (٤) الْمُؤْمِنَاتُ
- ٤٨- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الْوَصْفِ وَ الْإِضَافَةِ:
 (١) الْأَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ يُسَاعِدُ النَّاسَ
 (٢) يُدَافِعُ الْمُسْلِمُونَ الْعَالَمَ عَنِ الْمَظْلُومِينَ
 (٣) سَاعَدَنِي أَحَدُ سَاكِنِي هَذِهِ الْجَزِيرَةِ
 (٤) هُنَاكَ مَهَاجِرُونَ كَثِيرُونَ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ
- ٤٩- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «أَيَّامُ الدَّرَاسَةِ مِنَ الْأَيَّامِ
- (١) الْجَمِيلِ (٢) الْجَمِيلَةَ (٣) الْجَمِيلِ (٤) الْجَمِيلَةَ
- ٥٠- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «جَاءَ فِي الْمَدْرَسَةِ»
 (١) أَخُوكَ (٢) أَخَاكَ (٣) أَخَاكَ (٤) أَخِيكَ

۲۶- گزینه ۳ پاسخ است.

رد سایر گزینه‌ها:

۱) «صدقوا» فعل است، نه صفت رجال. در ضمن افعال جمله باید ماضی ترجمه شوند.

۲) «مؤمن» صفت مردان نیست. بلکه خبر مقدم و مبتدای مؤخر است.

۴) قسمت دوم جمله اشتباه ترجمه شده است. چون «الله» مفعول جمله است نه فاعل آن. یعنی مؤمنان پیمان بسته‌اند با خدا.

۲۷- گزینه ۴ پاسخ است.

۲۸- گزینه ۲ پاسخ است.

«عالماً» نکره است و باید به صورت نکره ترجمه شود.

«کتاب» مفرد و نکره است و باید به صورت «کتابی» ترجمه شود.

«يُفْتَشُ» جمله وصفیه است. در ترجمه جمله وصفیه، فعل مربوطه از فعل قبل از خود تأثیر می‌پذیرد و ممکن است یک زمان عقب برود. فعل

«يُفْتَشُ» از فعل ماضی «رَأَيْتُ» تأثیر پذیرفته و به صورت «می‌گشت» ترجمه شده است.

۲۹- گزینه ۴ پاسخ است.

۳۰- گزینه ۲ پاسخ است.

«الكتاب» معرفه است - «صديقاً مخلصاً» نکره است - «صراطٍ مستقيماً» نکره است در ترجمه باید به این موارد دقت کنیم.

۳۱- گزینه ۲ پاسخ است.

۳۲- گزینه ۴ پاسخ است.

۳۳- گزینه ۴ پاسخ است.

رد سایر گزینه‌ها:

۱) امر باید به صورت نکره ترجمه شود. در ضمن «تا برایشان شکار کنم» ترجمه قسمت آخر جمله نیست.

۲) «بکرمونتی» یعنی مرا گرامی می‌دارند؛ نه آنکه را گرامی می‌دارند که.

۳) وقتی اسم اشاره جمع است در فارسی مفرد ترجمه می‌شود، اگر اسم بعد از آن «ال» داشته باشد. در ضمن ضمیر «هم» در «لهم» ترجمه نشده است.

۳۴- گزینه ۳ پاسخ است.

«مُخْلِصاً» - «يُيَعِدُنَا...» - «مستقيم»: صفت (نعت) هستند.

«يُيَعِدُنَا...»: صفت (نعت) به صورت جمله یا همان، جمله وصفیه است.

۳۵- گزینه ۳ پاسخ است.

«الداعي» - «الدنيا» - «التقوى» - «مُنْجٍ» دارای اعراب تقدیری هستند.

در گزینه‌ی ۳، «الذی» مبنی است و اعرابش محلی است.

«قوی» و «الظبی»، منقوص نیستند؛ صحیح الاخر هستند و اعرابشان تقدیری نیست بلکه ظاهری است.

۳۶- گزینه ۱ پاسخ است.

۳۷- گزینه ۴ پاسخ است.

توجه داشته باشید که کلمات مثنی و جمع هنگامی که مضاف می‌شوند «ن» خود را از دست می‌دهند. هم‌چنین اسم مضاف «ال» نمی‌گیرد.

در گزینه‌های ۱ و ۲، «مُهِندسین» و «مُسلمین»، مضاف هستند و باید نونشان بیفتد.

در گزینه ۳، جای خالی، نقش فاعل را دارد، بنابراین باید به صورت «المسلمون» نوشته شود.

۳۸- گزینه ۱ پاسخ است.

۳۹- گزینه ۳ پاسخ است.

کلمه «عباد» در گزینه‌ی ۱، نقش فاعل را دارد.

کلمه «عباد» در گزینه‌ی ۲، نقش معرور به حرف جر را دارد.

کلمه «عباد» در گزینه‌ی ۳، نقش خبر را دارد.

کلمه «عباد» در گزینه‌ی ۴، نقش مفعول را دارد.

در هر چهار گزینه جای خالی، صفت کلمه «عباد» است. بنابراین گزینه ۳، غلط است. عبارت مورد نظر به صورت «اولئك عباد الله الصالحون» درست است.

۴۰- گزینه ۲ پاسخ است.

رد سایر گزینه‌ها:

در گزینه ۱ «مصایح»، جمع مکسر بر وزن مفاعیل است. در گزینه ۳ «أعلم» اسم تفضیل است و در گزینه ۴ «یوسف» علم غیرعربی است.

۴۱- گزینه ۴ پاسخ است.

«الشیاطین» جمع مکسر است (جمع مذکر سالم نیست) و اعرابش ظاهری است.

«إحدى» مقصور است و اعرابش تقدیری است.

«عجائب» غیرمنصرف است ولی چون در نقش مفعول منصوب می‌باشد بنابراین اعرابش ظاهری اصلی است.

«والدی» در اصل «والدین» بوده و مثنی است و اعرابش فرعی است.

۴۲- گزینه ۴ پاسخ است.

رد سایر گزینه‌ها:

۱) «محافل» غیرمنصرف است پس تنوین نمی‌گیرد. در ضمن جر خود را با فتحه نشان می‌دهند.

۲) «عدیة» صفت «محافل» است و «محافل» مجرور است. پس صفت هم باید مجرور باشد. در ضمن خوارزم هم غیرمنصرف بوده و کسره نمی‌گیرد در حالت جر.

۳) توضیح گزینه ۲ در مورد «عدیة»!

۴۳- گزینه ۴ پاسخ است.

۴۴- گزینه ۲ پاسخ است.

«سیدان» در عبارت بالا، چون مضاف واقع شده است دچار حذف نون شده است.

۴۵- گزینه ۲ پاسخ است.

جای خالی، صفت برای «إخوان» می‌باشد و چون «إخوان» مفعول منصوب است پس جای خالی باید به صورت [جمع- مذکر- منصوب] بیاید.

۴۶- گزینه ۳ پاسخ است.

«فلسطین»، غیرمنصرف است در حالت مجروری، به جای حرکت -ِ، حرکت -َ می‌گیرد و اعرابش، فرعی خوانده می‌شود.

۴۷- گزینه ۴ پاسخ است.

۴۸- گزینه ۴ پاسخ است.

می‌دانیم کلمه‌ای که مضاف است ← [ال نمی‌گیرد] [تنوین نمی‌گیرد] [اگر مثنی یا جمع مذکر سالم باشد نونش می‌افتد]

«الافضل» و «المسلمون» و «ساکین» در گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳، مضاف هستند و باید به صورت «أفضل» و «مسلمو» و «ساکنی» نوشته شوند. در گزینه ۴، «مهاجرون» مضاف نیست بلکه موصوف است.

۴۹- گزینه ۲ پاسخ است.

۵۰- گزینه ۱ پاسخ است.

■ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۲۶ - ۳۳):

۲۶ - «هذان الطالبان اللذان يجتهدان في دروسهما ينجحان في الإمتحان.»

۱) این دانش آموزانی که در درسهایشان تلاش می کنند در امتحان موفق می شوند.

۲) این دو دانش آموزی که در درسهایشان تلاش می کنند قطعاً در امتحان موفقند.

۳) دانش آموزانی که در دروسشان کوشش می کنند در امتحان موفق خواهند شد.

۴) این دو دانش آموز در درسهای خود کوشش می کردند تا در امتحان موفق شوند.

۲۷ - «المعلمون المجتهدون يُخرجوننا من ظلمات الوهم و يُلهموننا نور العلم.»:

۱) معلم های کوشا، ما را از تاریکی خیال باطل خارج می کنند و نور علم را در دل ما می افکنند.

۲) معلم های کوشایی، ما را از تاریکی های توهم بیرون می کردند و نور دانش را در دل ما الهام می نمودند.

۳) معلم های کوشا، ما را از تاریکی های توهم بیرون می آورند و نور دانش را به ما الهام می کنند.

۴) معلم های کوشا، ما را از تاریکی خیال باطل بیرون می کشند و روشنایی دانش را به دل ما وارد می کنند.

۲۸ - «هناك شروطٌ للصدیقِ علی حَسَبِ روايةِ عن الإمامِ الصادقِ (ع).»

۱) آنجا شرایطی است برای دوست بر حسب روایت امام صادق (ع).

۲) شرایطی برای دوست براساس روایتی از امام صادق (ع) وجود دارد.

۳) برای انتخاب دوست با توجه به روایتی از امام صادق (ع) شرایطی وجود دارد.

۴) آنجا شرایطی است برای دوستی که در روایت امام صادق (ع) آمده است.

۲۹ - «جِئْتُ إلی معلّمی لِأُتَكَلَّمَ معه حَوْلَ مشاكلی الدراسیة.»

۱) برای سخن گفتن پیرامون مشکلات درسی ام نزد معلم آمدم.

۲) نزد معلم خود آمدم تا درباره ی مشکلات درسی صحبت کنم.

۳) نزد معلم آمدم تا با او درباره ی مشکلات درسی ام سخن بگویم.

۴) نزد معلم آمدم تا با او درباره سختی های درس حرف بزنم.

۳۰ - عَيْنِ الْخَطَأِ:

۱) فلیعبدوا ربَّ هذا البیت: پس باید پروردگار این خانه را عبادت کنند.

۲) قُلْ لِمَ تُؤْمِنُوا بِالْقَوْلِ أَسْمًا لَمْ يَلْمُوكُمْ: بگو ایمان نیاوردید بلکه بگویید اسلام آوردیم.

۳) هذا الحيوان يَنْتخب مَسًا كنه في باطن الارض: این حیوان مسکن خود را در دل زمین انتخاب می کند.

۴) التلاميذ لم يُفَصِّرُوا في اداء واجبه: دانش آموزان در انجام تکلیفشان کوتاهی نمی کنند.

۳۱ - «يَحْسَبُ النَّاسُ مِنْ يُصَادِقُ الصَّالِحِينَ واحداً منهم!»:

۱) مردم کسی را که با صالحان دوستی می کند، یکی از آنان بشمار می آورند!

۲) هر کس با شخص نیکوکار صدق بورزد، یکی از مردمان نیکوکار بشمار می آید!

۳) هر کس دوست نیکوکار باشد، مردم او را نیز نیکوکار بحساب می آورند!

۴) مردم هر کس را که به افراد صالح راست بگوید، او را صالح حساب می کنند!

۳۲- عین الصحيح:

(۱) کُنْتُ درستی سبعة ساعات: نه ساعت درس می خواندم.

(۲) سافرنا إلى عراق لزيارة الامام الثالث (ع): برای زیارت سه امام (ع) به عراق مسافرت کردیم.

(۳) کَتَبْنَا الدرس الخامس من هذا الكتاب: درس پنجم از این کتاب را نوشتیم.

(۴) قرأتُ ثمانی مجلات فی أيام العطلة: در ایام تعطیلی، دو مجله را خواندم.

۳۳- «الكتابُ صديقٌ مخلصٌ يُعِدنا عن الضلالة»:

(۱) کتاب، یک دوست مخلص است که ما را از گمراهی دور می کند.

(۲) آن کتاب، دوست با اخلاصی است که از گمراهی، دور می کند.

(۳) کتاب، دوست با اخلاص است که از گمراهی، همه را دور می کند.

(۴) کتاب، یک دوست با اخلاص است که ما را از گمراهی، دور ساخته است.

۳۴- عین المضارع المنصوب:

(۱) يرفع الله درجات المؤمنين

(۲) المؤمنون لا يُشركون بالله شيئاً

(۳) اجتهده لينجح

(۴) ليتعد عن الكذب

۳۵- عین الجواب الذي كلّه من الحروف الناصبة:

(۱) -إن- لَن- لا- لِ (۲) -عَن- كَي- إِذَن- حَتَّى (۳) -لَم- لَمَّا- لِ- لا (۴) -حَتَّى- لِ- كَي- لَن

۳۶- عین المضارع ليس منصوباً:

(۱) المشركون لم يقاتلوا في سبيل الله!

(۲) لن يسرف المؤمنون في حياتهم!

(۳) عليكم أن تتجهدوا في حفظ دروسكم!

(۴) الدهر مُخلق الأبدان بعد أن يُعذبها!

۳۷- عین المضارع المجزوم: « التملة حشرة صغيرة و لكنّ جهدها كبير، فليجعل الانسان التملة نصب أعينه ليصل إلى أهدافه! »

(۱) يجعل (۲) جهدها (۳) يصل (۴) نصب

۳۸- «أرادوا أن... مما... و لكنهم لم... لأنهم لا... مالا!» عین الصحيح للفراغات:

(۱) يُنْفِقُوا / يُحِبُّوا / يَسْتَطِيعُونَ / يَمْلِكُونَ (۲) يُنْفِقُونَ / يُحِبُّوا / يَسْتَطِيعُونَ / يَمْلِكُوا

(۳) يُنْفِقُوا / يُحِبُّونَ / يَسْتَطِيعُونَ / يَمْلِكُونَ (۴) يُنْفِقُوا / يُحِبُّونَ / يَسْتَطِيعُونَ / يَمْلِكُوا

۳۹- عین الخطأ بالنسبة للشرط:

(۱) إن درسه تَنجح □! (۲) إن تدرس □ تَنجح □! (۳) إن تدرسُ تَنجح! (۴) إن درسه □ تَنجح □ت!

۴۰- ما هو اعراب الفعل المضارع: « يخرج النبي (ص) مع الأطفال الذين يذهبون إلى الصحراء ليشاهدوا الصحراء و جمالها »

(۱) مرفوع- منصوب- مرفوع (۲) مرفوع- مرفوع- منصوب (۳) مرفوع- منصوب- منصوب (۴) منصوب- مرفوع- منصوب

۴۱- عین الصحيح للفراغ: «الطالبات لم..... في مساعدة أخواتهن.»

(۱) يُقَصِّرْنَ (۲) يُقَصِّرُوا (۳) يُقَصِّرُونَ (۴) يُقَصِّرُ

۴۲- عین الصحيح للفراغ: «الكفار لم..... بما أنزل الله»

(۱) يُؤْمِنُونَ (۲) يُؤْمِنُوا (۳) يُؤْمِنَانِ (۴) تُؤْمِنُونَ

۴۳- عین الصحيح للفراغ: «اجتهدنا كثيراً ل..... في الامتحان»

(۱) نَنجَحُ (۲) نَنجَحُ (۳) نَنجَحُ (۴) يَنجَحُ

٤٤- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «الكَسْلَانُ لَمْ..... فِي الْحَيَاةِ»

(١) يَنْجَحَانِ (٢) يَنْجَحَا (٣) يَنْجَحُ (٤) يَنْجَحُ

٤٥- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ..... فِي حَيَاتِكُمْ»

(١) يَجْتَهِدُونَ (٢) يَجْتَهِدُوا (٣) تَجْتَهِدُونَ (٤) تَجْتَهِدُوا

٤٦- عَيْنَ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ: «التَّلَامِيذُ..... فِي آدَاءِ وَاجِبِهِمْ»

(١) لَا يُقْصِرُونَ (٢) لَنْ يُقْصِرُوا (٣) لَمْ يُقْصِرُوا (٤) لَا تُقْصِرُونَ

٤٧- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي التَّعْرِيْبِ:

(١) سَاعَتِ چَهَارَمِ: السَّاعَةُ الرَّابِعَةُ (٢) اِمَامِ هَشْتَمِ: اِلَامَامِ الثَّامِنِ (٣) دَرَسِ سَوْمِ: الدَّرْسِ الثَّلَاثِ (٤) كِتَابِ بَنَجَمِ: الْكِتَابِ الْخَامِسَةِ

٤٨- عَيْنَ الْمَضَارِعِ الْمَجْزُومِ:

(١) لِيُثَقِّقَ ذَوْسَعَةً مِنْ سَعْتِهِ (٢) الْمُؤْمِنُونَ يَتَعَاوَنُونَ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى
(٣) وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (٤) الْمُؤْمِنُونَ لَنْ يَكْذِبُوا مِنْ أَجْلِ زُخَارِفِ الدُّنْيَا

٤٩- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «عَلَيْكُمْ أَنْ..... الْعِزَّةَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»

(١) تَطْلُبُونَ (٢) تَطْلُبُوا (٣) يَطْلُبُونَ (٤) يَطْلُبُوا

٥٠- عَيْنَ الصَّحِيحِ (فِي اِعْرَابِ الْفِعْلِ):

(١) أَمَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى. (٢) لَمَّا يَدُ خُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ.
(٣) فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ. (٤) أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ.

۲۶- گزینه ۱ پاسخ است.

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه ۲: ضمیر «هما» در ترکیب «دُرُوسِهِمَا» ترجمه نشده است. کلمه «قطعاً» که مفهوم تأکید را در بردارد در متن عربی معادل ندارد.

گزینه ۳: «هذان» در متن فارسی ترجمه نشده است، ضمن اینکه «موفق خواهند شد» نیز بصورت آینده در ترجمه «يُنْفِقُ جَحَانٌ» درست نیست.

گزینه ۴: ترجمه «اللذآن» در متن فارسی مشاهده نمی‌شود. کلمه «تا» در ترجمه زاید است و ترجمه فعل «يُنْفِقُ جَحَانٌ» نیز بصورت مضارع التزامی صحیح نیست.

«کوشش می‌کردند» به صورت «کوشش می‌کنند» صحیح است.

۲۷- گزینه ۳ پاسخ است

ترجمه کلمات مهم: يُخْرِجُونَ = خارج می‌کنند، بیرون می‌آورند / الوه = م = خیال باطل، پوچ، پندار بیهوده
يُدْهِمُونَ = الهام می‌کنند، در دل می‌افکنند.

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه ۱: «تاریکی» بصورت مفرد در ترجمه «ظلمات» نادرست است.

گزینه ۲: عبارت «معلم‌های کوشایی...» به صورت نکره در ترجمه «المُعَلِّمُونَ الْمُجِدِّهِونَ» درست نمی‌باشد ضمن اینکه «بیرون می‌کردند» و «الهام می‌نمودند» نیز بصورت ماضی استمراری در ترجمه فعلهای مضارع «يُخْرِجُونَ» و «يُدْهِمُونَ» صحیح نیست.

گزینه ۴: تاریکی به غلط بصورت مفرد ترجمه شده است و «وارد می‌کنند» ترجمه دقیقی برای فعل «يُدْهِمُونَ» نمی‌باشد.

۲۸- گزینه ۲ پاسخ است.

زیرا «هناک» دو ترجمه دارد یکی به مفهوم «آنجا» و دیگری به مفهوم «وجود داشتن» اگرچه در هر دو صورت در حکم ظرف (مفعول فیه) است. تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه ۱ در این عبارت (هناک) آنجا ترجمه شده است که با توجه به نکته فوق صحیح نمی‌باشد.

گزینه ۳ در این گزینه کلمه (انتخاب) که در عبارت عربی بکار نرفته در ترجمه آمده است و همچنین کلمه (با توجه) که در جمله عربی معادل آن نمی‌باشد.

گزینه ۴ علاوه بر اینکه (هناک) آنجا ترجمه شده که صحیح نمی‌باشد، کلمه (صدیق) هم دوستی ترجمه شده که غلط است.

۲۹- گزینه ۳ پاسخ است.

۱- جنت: به معنی (آمدن) می‌باشد و معلمی: به معنی (معلم من) و لِأَتُكَلِّمَ (تا صحبت کنم - سخن بگویم) ترجمه می‌شود که این ترجمه فقط در گزینه سوم دیده می‌شود.

۳۰- گزینه ۴ پاسخ است.

۳۱- گزینه ۱ پاسخ است.

«صَادِقٌ يُصَادِقُ» به معنای «دوستی کردن» می‌باشد.

۳۲- گزینه ۳ پاسخ است.

«سبعة ساعات»: هفت ساعت - «الامام الثالث»: امام سوم - «ثمانی مجلات»: هشت مجله

۳۳- گزینه ۱ پاسخ است.

در ترجمه‌ی فارسی موصوف صفت‌های (نکره) باید توجه داشته باشیم که «ی» نکره هم می‌تواند در آخر صفت بیاید و هم می‌تواند در آخر موصوف بیاید. جاء تلميذٌ مودبٌ.

دانش‌آموزی مؤدب، آمد.

دانش‌آموز مؤدبی، آمد.

یک دانش‌آموز مؤدب آمد.

۳۴- گزینه ۳ پاسخ است.

حرف «ل» در اول عبارت، «ل» امر غائب است و فعل مضارع محزوم می‌باشد ولی در وسط عبارت، از حروف ناصبه است و فعل مضارع منصوب می‌باشد.

۳۵- گزینه ۴ پاسخ است.

حروف ناصبه: أن - لن - كي - إذن - ل - حتى

۳۶- گزینه ۱ پاسخ است.

۳۷- گزینه ۱ پاسخ است.

«ف» نشانه شروع جمله است. «ليجعل» فعل امر غائب یا مضارع مجزوم است. «ليصل» در وسط عبارت واقع شده است و فعل مضارع منصوب است.

۳۸- گزینه ۳ پاسخ است.

۳۹- گزینه ۳ پاسخ است.

۴۰- گزینه ۲ پاسخ است.

۲- يذهبون (مرفوع) به ثبوت (ن) اعراب

افعال جمله به ترتیب عبارتند از: ۱- يخرج (مرفوع) با علامت ظاهری

۳- ليُشاهدوا (منصوب) با حذف (ن)

۴۱- گزینه ۱ پاسخ است.

۴۲- گزینه ۲ پاسخ است.

۴۳- گزینه ۳ پاسخ است.

۴۴- گزینه ۴ پاسخ است.

«الكسلان»، بر وزن «فعالان»، مفرد و مذکر است و فعل کنارش باید مفرد مذکر باشد. «العطشان» نیز این گونه می باشد.

۴۵- گزینه ۴ پاسخ است.

۴۶- گزینه ۴ پاسخ است.

۴۷- گزینه ۴ پاسخ است.

اعداد ترتیبی بر وزن «فاعل» نوشته می شوند و نقش صفت دارند. گزینه ۴ به صورت «الكتاب الخامس» درست است.

۴۸- گزینه ۱ پاسخ است.

۴۹- گزینه ۲ پاسخ است.

۵۰- گزینه ۲ پاسخ است.

طبق دستور در زبان عربی وقتی در آخر فعلی، ساکن وجود دارد و بعد از آن فعل، اسم «ال» دار می بینیم باید ساکن آخر فعل را به کسره تبدیل کنیم. به این کسره، کسره عارضی گویند. کسره عارضی برای جلوگیری از التقاء ساکنین می آید. بنابراین گزینه ۲ درست است.
تشریح گزینه های نادرست:

گزینه ۱: ادات ناصبه «أن» باید فعل مضارع بعد از خود را منصوب کند بوسیله حذف «ن» اعراب.

گزینه ۳: در این گزینه هم «حتى» ادات ناصبه است و باید فعل مضارع بعد از خود را با فتحه منصوب کند.

گزینه ۴: در این گزینه، «تحتون» بدون دلیل دچار حذف نون شده است چرا که حرف لا، لای نهی نیست.

■ عین الأصحّ و الأدقّ فی الترجمة أو التعرّيب أو المفهوم (۳۲ - ۲۶):

۲۶- « قد نَشَرَ اللهُ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عِلْمِهِ »:

- (۱) خداوند گنجینه‌های علمش را بر ما گشوده است.
 (۲) خداوند گنجینه‌های علوم را به ما نشان داد.
 (۳) خدایا گنجینه‌های علمت را بر ما بگشای.
 (۴) خدا گوهرهای دانش را به ما نشان می‌دهد.

۲۷- « كَيْفَ نَسَمِعُ صَوْتَ الْأَجْرَاسِ مِنْ بَعِيدٍ بَيْنَمَا نَحْنُ لَمْ نَسْمَعْ مَعَهُ مِنْ قَرِيبٍ » :

- (۱) چگونه است که صدای زنگ‌ها را از دور می‌شنوید در صورتی که ما آنها را نمی‌شنویم.
 (۲) چگونه صدای زنگ‌ها از دور شنیده می‌شود در حالیکه ما از نزدیک آن را نمی‌شنویم.
 (۳) چگونه صدای زنگ‌ها را از دور می‌شنوی در حالیکه ما آن را از نزدیک نشنیده‌ایم.
 (۴) چگونه صدای زنگ‌ها از دور شنیدنی است در صورتی که ما از نزدیک نشنیدیم.

۲۸- « إِنَّ أُذُنِي إِذَا مُلْتَمِتًا بِالْقُطْنِ لَا تَسْمَعَانِ صَوْتًا »:

- (۱) گوش‌هایم اگر با پنبه پُر شود صدایی را نمی‌شنود.
 (۲) به راستی اگر گوش‌هایم با پنبه پُر می‌شد صدایی را نمی‌شنیدند.
 (۳) همانا هنگامی که دو گوشم با پنبه پُر شد صداهایی را نشنید.
 (۴) به درستیکه اگر دو گوشم با پنبه پُر می‌شدند صدایی را نمی‌شنیدند.

۲۹- « این دانش آموزان کوشا، همان کسانی اند که در مسابقه برنده شدند »:

- (۱) هؤلاء الطلاب المجتهدون هم فازوا في المسابقات.
 (۲) هذا الطلاب المجتهدون الذين فازوا في السباق.
 (۳) هؤلاء التلاميذ المجتهدون هم الذين فازوا في المسابقة.
 (۴) هؤلاء التلاميذ هم الذين اجتهدوا و فازوا في المسابقة.

۳۰- « تشنگی شدیدش او را در این هوای گرم از پای درمی‌آورد »:

- (۱) عطش شدیده یقتله في هذا الجو الحارّ
 (۲) عطشه شديد يقتله في هذا الجو الحارّ
 (۳) العطشه الشديد يقتله في هذا الجو الحارّ
 (۴) عطشه الشديد يقتله في هذا الجو الحارّ

۳۱- « من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه »:

- (۱) از مؤمنان مردان صادق هستند که بر آنچه با خدا پیمان می‌بندند وفا می‌کنند.
 (۲) مردان مؤمن بر آنچه با خدا پیمان بستند وفا کردند.
 (۳) از مؤمنان مردانی هستند که بر آنچه با خدا پیمان بستند وفا کردند.
 (۴) از مؤمنان مردانی بر آنچه خداوند با آنان پیمان بسته بود وفا کردند.

۳۲- عین الخطأ:

- (۱) كُنْتُ أَدْرُسُ سَبْعَةَ سَاعَاتٍ: هفت ساعت درس می‌خواندم.
 (۲) سافرنا إلى عراق لزيارة الامام الثالث (ع): برای زیارت امام سوم (ع) به عراق مسافرت کردیم.
 (۳) كَتَبْنَا الدرس الخامس من هذا الكتاب: درس پنجم از این کتاب را نوشتیم.
 (۴) قرأت ثمانی مجلات فی أيام العطلة: در ایام تعطیلی، دو مجله را خواندم.

٣٣- «الكتابُ صديقٌ مخلصٌ يُعِدنا عن الضلالة» عَيْن الخطأ:

- ١) كتاب، يك دوست مخلص است که ما را از گمراهی دور می کند.
- ٢) کتاب، دوست با اخلاصی است که ما را از گمراهی، دور می کند.
- ٣) کتاب، دوستی با اخلاص است که از گمراهی، ما را دور می کند.
- ٤) کتاب، یک دوست با اخلاص است که ما را از گمراهی، دور ساخته است.

٣٤- عَيْن المضارع المجزوم:

- ١) يَرْفَعُ اللهُ دَرَجَاتِ الْمُؤْمِنِينَ
- ٢) الْمُؤْمِنُونَ لَا يُشْرِكُونَ بِاللَّهِ شَيْئاً
- ٣) اجْتَهَدَ لِيُنْجِحَ
- ٤) لَيْتَعِدَ عَنِ الْكُذْبِ

٣٥- عَيْن المضارع المنصوب:

- ١) لِيُثِقَ ذَوْسَعَةً مِنْ سَعْتِهِ
- ٢) الْمُؤْمِنُونَ يَتَعَاوَنُونَ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى
- ٣) وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
- ٤) الْمُؤْمِنُونَ لَنْ يَكْذِبُوا مِنْ أَجْلِ زُخْرَافِ الدُّنْيَا

٣٦- عَيْن الصحيح للفراغ: «أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ..... فِي حَيَاتِكُمْ»

- ١) يَجْتَهِدُونَ
- ٢) يَجْتَهِدُوا
- ٣) تَجْتَهِدُونَ
- ٤) تَجْتَهِدُوا

٣٧- عَيْن الصحيح في التعريف:

- ١) ساعت چهارم: الساعة الرابع
- ٢) امام هشتم: امام الثامن
- ٣) درس سوم: الدرس الثالثة
- ٤) كتاب پنجم: الكتاب الخامس

٣٨- «قَرَأْتُ صَفْحَتَيْ □ نِ مِنَ الْكِتَابِ». عَيْن الصحيح في المبني للمجهول:

- ١) قُرِئَتْ صَفْحَتَانِ مِنَ الْكِتَابِ
- ٢) قُرِئَتْ □ صَفْحَتَانِ مِنَ الْكِتَابِ
- ٣) قُرِئَ □ مِنَ الْكِتَابِ صَفْحَتَيْنِ
- ٤) قُرِئَتْ □ مِنَ الْكِتَابِ صَفْحَتَيْنِ.

٣٩- عَيْن الصحيح للفراغات : الطالبات ... لمعلمه ... رسالة ... عن دروسهن»

- ١) أُرِ □ سِد □ نِ / يَهْنَ / يَسْأَلْنَ
- ٢) يُرِ □ سِد □ نِ / يَهْمُ / تَسْأَلُ
- ٣) تُرِ □ سِد □ نِ / هَمَّا / تَسْأَلْنَ
- ٤) أُرِ □ سَلَتْ □ / يَسْأَلُ / يَسْأَلُ

٤٠- عَيْن اعراب ما أشير إليه بخط : « يُحَاسِبُ الْإِنْسَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ »

- ١) فاعل مرفوع
- ٢) نائب فاعل مرفوع
- ٣) خبر مرفوع
- ٤) مبتدأ مرفوع

٤١- كيف تكون العبارة التالية مع الفعل المبني للمجهول؟ : « يَعْرِفُ النَّاسُ الْأَصْدِقَاءَ الْأَوْفِيَاءَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ. »

- ١) يَعْرِفُونَ الْأَصْدِقَاءَ الْأَوْفِيَاءَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ.
- ٢) يُعْرِفُونَ الْأَصْدِقَاءَ الْأَوْفِيَاءَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ.
- ٣) يُعْرِفُ الْأَصْدِقَاءَ الْأَوْفِيَاءَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ.
- ٤) يَعْرِفُ الْأَصْدِقَاءَ الْأَوْفِيَاءَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ.

٤٢- عَيْن المبني للمجهول: « هَدَّمَ الْأَعْدَاءُ أَرْضَ الْمُسْلِمِينَ »

- ١) هَدَّمَ أَرْضَ الْمُسْلِمِينَ
- ٢) هَدَّمَ أَرْضَ الْمُسْلِمُونَ
- ٣) هَدَّمَتْ أَرْضَ الْمُسْلِمِينَ
- ٤) هَدَّمَتْ أَرْضَ الْمُسْلِمُونَ

٤٣- عَيْن الصحيح للفراغ: «..... تَعَجَّبَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ، عِنْدَئِذٍ سَكَتَ.....»

- ١) المعلمة- التلميذة
- ٢) المعلمة- التلميذ
- ٣) فاطمة- الوالدة
- ٤) المدير- التلميذ

٤٤- عَيْن الصحيح للفراغ: «مَنْ..... بئراً لأخيه..... فيها»

- ١) حَفَرَ- وَقَعَ
- ٢) حَفَرَ- وَقَعَ
- ٣) حَفَرَ- وَقَعَ
- ٤) حَفَرَ- وَقَعَ

٤٥- عَيْن الخطأ للفراغ: «مَنْ.....»

- ١) صَبَرَ- ظَفَرَ
- ٢) يَصْبِرُ- يَظْفِرُ
- ٣) صَبَرَ- يَظْفِرُ
- ٤) يَصْبِرُ- ظَفَرَ

٤٦- عَيِّن العبارة التي ما جاء فيها «أداة شرط»:

- (١) إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ
(٢) مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ
(٣) مَنْ يَتَأَمَّلْ قِيلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا
(٤) لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا

٤٧- عَيِّن الصحيح للفراغ: «..... الصديق عند الشدائد»

- (١) يَعْرِفُ (٢) يَعْرِفُ (٣) تُعْرِفُ (٤) تَعْرِفُ

٤٨- غَيِّر المبنى للمعلوم للمجهول: «كُتِبَ اللَّهُ الصِّيَامَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ»

- (١) كُتِبَ الصِّيَامُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ
(٢) كُتِبَتِ الصِّيَامُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ

(٣) كُتِبَ اللَّهُ الصِّيَامَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ (٤) كُتِبَ اللَّهُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ

٤٩- عَيِّن الصحيح للفراغ: «المرأة المسلمة..... من التكاسل»

- (١) مُنِعَ (٢) مُنِعَتْ (٣) مُنِعُوا (٤) مَنَعَ

٥٠- عَيِّن الخطأ للكلمة التي أشير إليها بخط: «بُعِثَ النَّبِيُّ لِإِتْمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»

- (١) فعل مبني للمجهول (٢) فعل متعدّد (٣) فعل مجرد ثلاثي (٤) نائب فاعله «ضمير مستتر هو»

۲۶- گزینه ۱ پاسخ است.

قد + فعل ماضی ← ماضی نقلی

۲۷- گزینه ۳ پاسخ است.

تشریح گزینه‌های نادرست :

گزینه (۱) «چگونه است که» غلط است / «می‌شنوید» جمع معنی شده است که باید به صورت مفرد بیاید / «لم نسمع» یعنی نشنیدیم یا نشنیده‌ایم.

گزینه (۲) جمله فعل «شنیده‌نمی‌شود» خطا است و فعل «نمی‌شنویم» نیز به صورت مضارع منفی معنی شده است.

گزینه (۴) فعل به صورت مصدر آمده است و ضمیر «ه» ترجمه نشده است.

۲۸- گزینه ۱ پاسخ است.

در جملات غیر بلاغی می‌توان «إِنَّ» را ترجمه نکرد و به عنوان تکیه کلام محسوب نمود.

بنابراین بدون کلماتی مانند (همانا به راستی . . .) نیز مفهوم جمله درست است.

«إذا» از ادوات شرط و غیر جازم می‌باشد یعنی با «إذا» جمله شرطی می‌گردد و فعل شرط آن «مُلِئْتَا» است که ماضی مجهول است ولی به

صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود (پُر شود)

و «لَا تَسْمَعَانِ» جواب شرط و فعل مضارع است.

در گزینه (۲) «پر می‌شد»، «نمی‌شنیدند» اشتباه است.

در گزینه (۳) «پرشد»، «نشنید» اشتباه است و (صداهایی) به صورت جمع ترجمه شده است که اشتباه است.

در گزینه (۴) «پرمی‌شدند»، «نمی‌شنیدند» اشتباه است.

۲۹- گزینه ۳ پاسخ است.

زیرا معادل صحیح کلمات عبارتند از: «این دانش آموزان کوشا = هؤلاء التلاميذ المجتهدون»، «همان = هُم»، «کسانی که = الذين»، «در

مسابقه = في المسابقة، في السباق» و «برنده شدند = فازوا».

۳۰- گزینه ۴ پاسخ است.

۳۱- گزینه ۳ پاسخ است.

رد سایر گزینه‌ها:

(۱) «صدقوا» فعل است، نه صفت رجال. در ضمن افعال جمله باید ماضی ترجمه شوند.

(۲) «مؤمن» صفت مردان نیست. بلکه خبر مقدم و مبتدای مؤخر است.

(۴) قسمت دوم جمله اشتباه ترجمه شده است. چون «الله» مفعول جمله است نه فاعل آن. یعنی مؤمنان پیمان بسته‌اند با خدا.

۳۲- گزینه ۴ پاسخ است.

«ثمانی مجلات»: هشت مجله

۳۳- گزینه ۴ پاسخ است.

در ترجمه‌ی فارسی موصوف صفت‌های (نکره) باید توجه داشته باشیم که «ی» نکره هم می‌تواند در آخر صفت بیاید و هم می‌تواند در آخر موصوف بیاید.

جاء تلميذٌ مودبٌ.

دانش‌آموزی مؤدب، آمد.

دانش‌آموز مؤدبی، آمد.

یک دانش‌آموز مؤدب آمد.

۳۴- گزینه ۴ پاسخ است.

حرف «ل» در اول عبارت، «ل» امر غائب است و فعل مضارع مجزوم می‌باشد ولی در وسط عبارت، از حروف ناصبه است و فعل مضارع منصوب

می‌باشد.

۳۵- گزینه ۴ پاسخ است.

۳۶- گزینه ۴ پاسخ است.

۳۷- گزینه ۴ پاسخ است.

اعداد ترتیبی بر وزن «فاعل» نوشته می‌شوند و نقش صفت دارند.

۳۸- گزینه ۲ پاسخ است.

« صفحه‌ » مونث است بنابراین فعل مجهول باید مونث نوشته شود.

۳۹- گزینه ۱ پاسخ است.

۴۰- گزینه ۲ پاسخ است.

يُحَاسِبُ، فعل مجهول است. اگر « يُحَاسِبُ » بود، فعل مجهول محسوب نمی‌شد. کلمه «يوم»، مفعول فیه و منصوب می‌باشد.

۴۱- گزینه ۴ پاسخ است.

فعل مجهول اگر صیغه غائب داشته و به دنبال آن نائب فاعل بصورت اسم ظاهر بکار رفته باشد، آنگاه همواره بصورت مفرد خواهد آمد، [رَد گزینه‌های (۱) و (۲)] از سوی دیگر «الأوفياء» در نقش صفت برای «الأصدقاء» باید همچون «الأصدقاء» که نائب فاعل بوده مرفوع باشد و به شکل مرفوع نوشته شود.

۴۲- گزینه ۳ پاسخ است.

«أرض» مؤنث مجازی است بنابراین فعل مجهول مربوط به «أرض» باید مؤنث باشد. «المسلمین»، مضاف‌الیه است (صفت نیست) بنابراین با تغییر اعراب «أرض»، نیازی به تغییر اعراب «المسلمین» نیست.

۴۳- گزینه ۴ پاسخ است.

«تَعَجَّبَ»، فعل ماضی (مفرد مذکر) از باب تفعّل است. در کنار این فعل، باید مفرد مذکر بیاوریم.

۴۴- گزینه ۱ پاسخ است.

فعل شرط و جواب شرط، اگر به صورت ماضی آمده باشند نمی‌توانند ساکن بگیرند چون در عربی، فعل ماضی مبنی است.

۴۵- گزینه ۴ پاسخ است.

فعل شرط و جواب شرط می‌توانند [ماضی یا مضارع] بیابند اگر ماضی بیابند ساکن نمی‌گیرند و اما اگر به صورت مضارع بیابند باید ساکن را بگیرند.

۴۶- گزینه ۴ پاسخ است.

۴۷- گزینه ۱ پاسخ است.

کلمه «الصدیق»، مفرد مذکر است. با توجه به معنای عبارت و اعراب کلمه «الصدیق»، باید در جای خالی فعل مجهول بیاوریم.

يَعْرِفُ: می‌شناسد يُعْرِفُ: شناخته می‌شود

۴۸- گزینه ۱ پاسخ است.

«الصيام»، به معنای «روزه»، مفرد و مذکر است.

۴۹- گزینه ۲ پاسخ است.

۵۰- گزینه ۴ پاسخ است.

«بُعِثَ» فعل مجهول است و نائب فاعلش، «النبي» می‌باشد. طبق دستور، فعل‌های مجهول را از نظر لازم متعدی، متعدی به‌شمار می‌آورند (هرچند که از معنای فعل‌های مجهول، نمی‌توان این مطلب را برداشت کرد).

* در زبان عربی، به [معلوم]، [مبنی للمعلوم] و به [مجهول]، [مبنی للمجهول] گویند.

■ عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة أو التعریب أو المفهوم (۲۶-۳۳):

۲۶- «هذان الطالبان اللذان يجتهدان في دروسهما ينجحان في الإمتحان.»

۱) این دانش آموزانی که در درسهایشان تلاش می کنند در امتحان موفق می شوند.

۲) این دو دانش آموزی که در درسهایشان تلاش می کنند قطعاً در امتحان موفقند.

۳) دانش آموزانی که در دروسشان کوشش می کنند در امتحان موفق خواهند شد.

۴) این دو دانش آموز در درسهای خود کوشش می کردند تا در امتحان موفق شوند.

۲۷- «انّ المدرسة التي إكـ□تسببُ فيها اعظم الفوائد هي مدرسة البؤس و الفقر»: □

۱) همانا مدرسه‌ای که در آن بیشترین فوائد را یاد می گیرم مدرسه فقر و بینوائی است.

۲) همانا مدرسه است که در آن بیشترین فایده را یاد گرفتیم یعنی همان مدرسه فقر و بینوائی.

۳) مدرسه‌ای که در آن بیشترین فوائد را کسب کردم همان مدرسه بینوائی و فقر است.

۴) مدرسه‌ای که در آن بیشتر استفاده بردم مدرسه فقیری و بینوائی بوده است.

۲۸- «في مدرستنا الجديدة كثيرٌ من التلاميذ استطاعوا أن ينجحوا في الامتحان» □

۱) به تازگی در مدرسه ما بسیاری از دانش آموزان توانستند در امتحان موفق شوند.

۲) بسیاری از دانش آموزان در مدرسه جدید ما توانستند در امتحان قبول شوند.

۳) در مدرسه جدید بسیاری از دانش آموزان توانستند در امتحان موفق شوند.

۴) در مدرسه ما جدیداً بسیاری از دانش آموزان توانسته‌اند در امتحان توفیق یابند.

۲۹- «الأطفال الذين يذهبون إلى الصحراء يُشاهدون مناظر جميلةً فيها» □

۱) کودکان کسانی هستند که به صحرا می روند و منظره‌های زیبایی را مشاهده می کنند.

۲) کودکانی که به صحرا می روند منظره‌هایی زیبا در آن می بینند.

۳) آن کودکان که به صحرا می روند می خواهند مناظری زیبا را در آنجا مشاهده کنند.

۴) کودکانی که به صحرا می رفتند مناظر زیبایی را در آن می دیدند.

۳۰- «ما كان التلميذ يمدح نفسه و يتكاسل في الدروس.» □

۱) دانش آموز خود را ستایش نمی کند و در درسهایش تنبلی نمی کند.

۲) دانش آموز نفسش را ستایش نمی کرد و در درسهایش تنبلی نمی کند.

۳) دانش آموز خود را ستایش نمی کرد و در درس تنبلی نمی کرد.

۴) دانش آموز خودش را ستایش نمی کرد و در درسهایش تنبلی نمی کرد.

۳۱- «ليت المسلمین يستيقظون من نوم الغفلة و يأخذون مشعل الهداية.» □

۱) ای کاش مسلمانان از خواب فراموشی بیدار می شدند و مشعل هدایت را می گرفتند.

۲) شاید مسلمانان از خواب فراموشی بیدار گردند و مشعل هدایت را بگیرند.

۳) امید است مؤمنان از خواب غفلت بیدار شوند و مشعل هدایت را بگیرند.

۴) ای کاش مسلمانان از خواب غفلت بیدار شوند و مشعل هدایت را بگیرند.

۳۲- «قُلْ □ من حرمّ زينة الله التي أخصّ□ رَجْ لِعبادِهِ؟!» المقصود من العبارة هو:

۱) الأئمة الإسلاميّة ليست محرومةً عن الطيبات.

۲) الانتفاع من الخيرات حرام لعباد الله.

۳) الأئمة الإسلاميّة محرومة من الانتفاع من الخيرات.

۴) الإنسان مكلف بتحريم ما أخرج الله له

۳۳- عین الصحیح:

۱) هذا الطالب ذكيّ، این ، دانش آموزی باهوش است.

۲) هؤلاء المسلمون يصلون على النبي «ص»: این مسلمانان، بر پیامبر «ص» درود می فرستند.

۳) هذا الكتاب بلا فائدة: این ، کتابی بدون فایده است.

۴) اولئك مؤمنون يحاربون أعداء الله: آن مؤمنان ، با دشمنان خداوند می جنگند.

■ اقرأ النصّ التالي بدقّة، ثمّ أجب عن الأسئلة (۳۴-۴۲) بما يناسب النصّ:

في مُنْتَصَف (نصف) ليلة رأى رجلٌ شيخاً صالحاً يَحْمِلُ متاعاً. فَسَأَلَهُ مُتَعَجِّباً: إلى أين تذهب؟ فأجاب الشيخُ: إننى فى سفر و هذا زادى (زاد= توشه) أَحْمِلُهُ معى. وصباح اليوم التالى شَاهَدَ الرجل الشيخ يُصَلِّى فى المسجد، فاقترب منه و قال له: يبدو (به نظر مى رسد) أنك قد إنصَرَفْتَ عَن السفر؟! فأجاب الشيخُ: لیس سفرى كما فَكَّرْتَ، إنَّه سَفَرُ الآخرة. و يَكُونُ المتاع صدقات للفقراء! فَقَالَ الرجلُ متأثراً: خَيْرُ الزاد لِسفر الآخرة التقوى!

٣٤- متى عرف الرجلُ أنَّ المقصود من السفر سفرُ الآخرة؟

(١) صباحاً (٢) ليلاً (٣) مساءً (٤) نهاراً

٣٥- ما هو المقصود من عبارة «خَيْرُ الزاد لِسفر الآخرة التقوى»؟

(١) إنَّ الحسنة يُدهن السيئات. (٢) الدنيا مزرعة الآخرة (٣) كلامُ الانسان معيارُ عقله. (٤) لا يطلب المؤمنُ العزَّ بغير التعب

٣٦- هل انصرف الشيخ عن سفره؟

(١) نعم، انصرف عن سفر الآخرة (٢) نعم، انصرف عن سفر الدنيا (٣) لا، لم ينصرف عن سفر الدنيا (٤) لا، لم ينصرف عن سفر الآخرة

٣٧- كيف كان الشيخُ يَهَيِّى (آماده مى كرد) زاده؟ كان....

(١) يُفَقُّ فى سبيل الله. (٢) يَخْرُجُ فى منتصف الليل. (٣) يَحْمِلُهُ على ظَهْرِهِ. (٤) يُصَلِّى فى المسجد.

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فى التَشْكِيلِ (٣٨-٣٩):

٣٨- «شاهد الرجل الشيخ يُصَلِّى فى المسجد»

(١) الرجل- الشيخ- المسجد (٢) شاهد- الرجل- المسجد (٣) الرجل- الشيخ- المسجد (٤) الشيخ- يُصَلِّى- المسجد

٣٩- «إنَّه سفر الآخرة و يكون المتاع صدقات للفقراء»

(١) سفرُ- الآخرة- المتاع- صدقات (٢) سفر- المتاع- صدقات- للفقراء

(٣) الاخرة- المتاع- صدقات- للفقراء (٤) سفر- الآخرة- المتاع- صدقات

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فى الاعراب و التحليل الصرفى (٤٠-٤٢):

٤٠- «يَحْمِلُ»:

(١) ماضٍ- مجرد ثلاثى- معرب/ فعل مرفوع و فاعله ضمير هوالمستتر.

(٢) مزيد ثلاثى من باب إفعال- مبنى للمعلوم/ فعل و فاعله مستتر و الجملة فعلية

(٣) فعل مضارع- مجرد ثلاثى- متعدي- مبنى للمعلوم/ فعل مرفوع و فاعله «رجل».

(٤) فعل مضارع- للغائب- متعدي- معرب/ فاعله ضمير مستتر و الجملة فعلية

٤١- «شَاهَدَ»:

(١) فعل أمر- مزيد ثلاثى- متعدي- مبنى للمعلوم- مبنى/ فعل و فاعله اسم ظاهر.

(٢) فعل مضارع- للغائب- متعدي- مبنى على الفتح/ فعل و جملة فعلية.

(٣) فعل ماضٍ- مزيد ثلاثى من باب مفاعلة- مبنى على الفتح/ فعل و فاعله «الرجل».

(٤) مزيد ثلاثى من باب افعال / فعل و فاعله الرجل و الجملة فعلية.

- (١) اسم - مفرد مذكر - معرفة - منصرف
 (٢) مشتق (اسم مفعول) - معرفة - معرب - منصرف
 (٣) مشتق (اسم فاعل) - نكرة - معرب
 (٤) جامد و مصدر - نكرة - منصرف - صحيح الآخر
- ■ عَيِّن المناسب في الجواب عن الأسئلة التالية (٤٣ - ٥٠):

٤٣ - عَيِّن الصحيح في لا النافية للجنس:

- (١) لا لباساً أجملُ من العافية (٢) لا الخَيْرَ أنفع من المساعدة (٣) لا تلميذاً في المدرسة (٤) لا حسودَ يَنْفَعُ للآخرين
- ٤٤ - عَيِّن المبني للمجهول: «هَدَمَ الأعداءُ أرضَ المسلمين»
 (١) هَدَمَ أرضَ المسلمين (٢) هَدَمَ أرضَ المسلمون (٣) هَدَمَتُ أرضَ المسلمين (٤) هَدَمَتُ أرضَ المسلمونَ
- ٤٥ - عَيِّن الصحيح للفراغ: «لعلَّ..... يُدركُ قيمة الوقت»
 (١) أخوك (٢) أخاك (٣) أخيك (٤) أخك
- ٤٦ - عَيِّن خير «كانت» في العبارة التالية: «كانت التلميذة تطلبُ مِنِّي دائماً أن أكتبَ دروسى.»
 (١) تطلبُ (٢) مِنِّي (٣) دائماً (٤) أن أكتبَ
- ٤٧ - عَيِّن الخطأ في النواسخ:
 (١) يكونُ التلاميذُ ناجحينَ (٢) صارت الأرضُ مخضرةً (٣) التلميذانِ كانا ناجحينِ (٤) أصبح المؤمنونَ منتصرونَ
- ٤٨ - عَيِّن المناسب للفراغ: «كانت التلميذاتُ... دروسهنَّ»
 (١) تُطالِعْنَ (٢) يُطالِعْنَ (٣) طالَعَتِ (٤) تُطالِعِينَ
- ٤٩ - عَيِّن لا النافية للجنس:
 (١) لا خيرَ في وُدِّ الانسانِ المتلونِ.
 (٢) لا ييبِّغُ الكسلانُ آماله.
 (٣) لا تكتبُ هذا الكتاب.
 (٤) رأيتُ معلماً لا تلميذاً.
- ٥٠ - عَيِّن الصحيح عن «إخ وان»: «إنَّ المبدئين كانوا إخ وان الشياطين»
 (١) اسم افعال ناقصه مرفوع (٢) خبر افعال ناقصه منصوب (٣) خبر حروف مشبهه بالفعل (٤) فاعل مرفوع

۲۶- گزینه ۱ پاسخ است.

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه ۲: ضمیر «هما» در ترکیب «دُروسِهما» ترجمه نشده است. کلمه «قطعاً» که مفهوم تأکید را در بردارد در متن عربی معادل ندارد.

گزینه ۳: «هذان» در متن فارسی ترجمه نشده است، ضمن اینکه «موفق خواهند شد» نیز بصورت آینده در ترجمه «يَدْ جَحان» درست نیست.

گزینه ۴: ترجمه «اللذان» در متن فارسی مشاهده نمی‌شود. کلمه «تا» در ترجمه زاید است و ترجمه فعل «يَدْ جَحان» نیز بصورت مضارع التزامی صحیح نیست.

«کوشش می‌کردند» به صورت «کوشش می‌کنند» صحیح است.

۲۷- گزینه ۳ پاسخ است.

(التی) بعد از اسم معرفه صفت است و به معنای (که) یا (...ی که) ترجمه می‌شود

(اكتسبتُ) فعل ماضی است و به معنای (کسب کردم) ترجمه می‌شود

(هی) ضمیر منفصل است و به معنای (همان) ترجمه می‌شود

«إِنَّ»، تکیه کلام است و می‌تواند ترجمه نشود.

۲۸- گزینه ۲ پاسخ است.

کلمه «الجديدة» صفت است برای «مدرسه» و ضمیر «نا» مضاف الیه مدرسه است. لذا در ترجمه باید (مدرسه جدید ما) نوشته شود. نیز فعل (استطاعوا) ماضی است به معنای (توانستند).

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه ۱: کلمه «به تازگی» معنای صفت «الجديدة» نیست.

گزینه ۳: ضمیر «نا» معنی نشده است.

گزینه ۴: «جدیداً» قید است و معادل صفت «الجديدة» نیست.

۲۹- گزینه ۲ پاسخ است.

موصول خاص اگر بعد از اسم دارای «ال» بیاید معنای «که» می‌دهد و اسم قبل از آن نیز بصورت نکره ترجمه می‌شود. نیز فعل «يذهبون» مضارع است که معادل آن در فارسی «می‌روند» است.

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه ۱: «کسانی که» ترجمه «الذین» بعد از اسم دارای «ال» نیست بلکه باید معنای «که» بدهد. همچنین «فیها» معنی نشده است.

گزینه ۳: در متن «می‌خواهند» وجود ندارد.

گزینه ۴: «می‌رفتند» و «می‌دیدند» ماضی استمراری است در حالی که در متن فعل‌ها، مضارع‌اند.

۳۰- گزینه ۴ پاسخ است.

کان + فعل مضارع ← ماضی استمراری مانند: ما كان يمدح = ستایش نمی‌کرد.

و فعل «يَتَكاسَلُ» معطوف به فعل اول است بنابراین باید به صورت ماضی استمراری (تنبلی نمی‌کرد) ترجمه شود. و كان فقط یک بار در اول جمله می‌آید

درگزینه (۱) (ستایش نمی‌کند) و (تنبلی نمی‌کند) اشتباه است.

درگزینه (۲) (تنبلی نمی‌کند) اشتباه است.

درگزینه (۳) کلمه (الدروس) به صورت مفرد (درس) ترجمه شده است.

۳۱- گزینه ۴ پاسخ است.

خير «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» در صورتی که مضارع باشد به صورت التزامی ترجمه می‌شود.

بنابراین گزینه ۴ درست است چون «بیدار شوند» و «بگیرند» مضارع التزامی است.

درگزینه (۱) (بیدار می‌شدند) و (می‌گفتند) اشتباه است.

درگزینه (۲) (شاید) اشتباه است.

در گزینه (۳) (امید است) ؛ (مؤمنان) اشتباه است.

۳۲- گزینه ۱ پاسخ است.

کافی است به ترجمه عبارت سؤال و گزینه‌ها توجه نمایید:

ترجمه سؤال « بگو چه کسی زینت خدا را که برای بندگانش بیرون آورد (آفرید) حرام نمود ؟ »
ترجمه گزینه‌ها :

(۱) اَمّت اسلامی از روزی‌های پاک محروم نیست.

(۲) سود بردن از چیزهای خوب بر بندگان خدا حرام است.

(۴) انسان موظف است آنچه را خداوند برایش آفریده است [بر خود] حرام نماید.

۳۳- گزینه ۲ پاسخ است.

در زبان عربی وقتی بعد از اشاره ، اسم ال دار می‌آید ← در ترجمه فارسی ، باید [اشاره و اسم ال دار] را سرهم و توأمان ترجمه کنید و بین اشاره و اسم ال دار ، مکث نکنید و ویرگول نگذارید و اشاره را باید به صورت مفرد ترجمه کنید (حتی اگر اشاره به صورت مثنی یا جمع آمده باشد) و اما اگر بعد از اشاره ، اسم ال دار نیامده باشد اینگونه عبارات به صورت معمولی ترجمه می‌شوند و هیچ تغییر خاصی در ترجمه آنها ، اتفاق نمی‌افتد.

هؤلاء مسلمون ... : اینها، مسلمانانی ...

هؤلاء المسلمون ... : این مسلمانان، ...

هذا التلميذ مجتهدٌ : این دانش‌آموز، کوشاست.

هذا تلميذٌ مجتهدٌ : این، دانش‌آموزی کوشاست.

هذا تلميذٌ مجتهدٌ : این، دانش‌آموز کوشایی است.

۳۴- گزینه ۱ پاسخ است.

زیرا همان‌طور که در متن آمده، آن مرد مقصود از گفته «شیخ» را در صبح روز بعد متوجه گردید: فی صباح اليوم التالي.

۳۵- گزینه ۲ پاسخ است.

زیرا معنای عبارت سؤال چنین است: «بهترین توشه برای سفر آخرت، تقوی است.» که سایر گزینه‌ها از نظر معنی و مفهوم ارتباطی با عبارت مورد نظر ندارند.

۳۶- گزینه ۴ پاسخ است.

زیرا «شیخ» با کمک به مستمندان و دستگیری از بیچارگان خود را برای سفر آخرت مهیا می‌کرد.

۳۷- گزینه ۱ پاسخ است.

زیرا شیوة « شیخ » در تهیه توشه آخرت اتفاق در راه خدا بود.

۳۸- گزینه ۲ پاسخ است.

« شاهد الرجلُ الشیخُ یُصلی فی المسجدِ »

«الرجل»: فاعل مرفوع «الشیخ»: مفعول منصوب

۳۹- گزینه ۴ پاسخ است.

«إنه سفرُ الآخرة و یكونُ المتاعُ صدقاتٍ للفقراءِ»

المتاع: اسم فعل ناقصه مرفوع. صدقات: خبر فعل ناقصه منصوب

۴۰- گزینه ۴ پاسخ است.

۴۱- گزینه ۳ پاسخ است.

۴۲- گزینه ۳ پاسخ است.

۴۳- گزینه ۴ پاسخ است.

اسم لای نفی جنس دارای خصوصیات زیر است:

(۱) ال و تنوین نمی‌گیرد (۲) نکره است (۳) مبنی بر فتح و محلاً منصوب است (۴) بلافاصله بعد از لا می‌آید

با توجه به این ویژگی‌ها به راحتی می‌توان فهمید که گزینه ۴ درست است.

۴۴- گزینه ۳ پاسخ است.

أرض مؤنث مجازی است.

۴۵- گزینه ۲ پاسخ است.

۴۶- گزینه ۱ پاسخ است.

ترکیب کامل اجزای جمله : کانت = از افعال ناقصه و اسم آن التلمیذة/ تطلّب = خبر « کانت » از نوع جمل ۵ فعلیه و محلاً منصوب / منی = جارو مجرور / دائماً = مفعول فیه و منصوب / أن أکتبُ دروسی = مفعول به برای فعل « تطلّب » و محلاً منصوب [أن : از ادوات نصب فعل مضارع أکتب : فعل و فاعل آن ضمیر «أنا» دروس : مفعول به و تقدیراً منصوب ی : مضاف الیه ومحلاً مجرور]

۴۷- گزینه ۴ پاسخ است.

۴۸- گزینه ۲ پاسخ است.

بعد از اسم جمع مؤنث فعل باید به صورت جمع مؤنث باشد همچنین بدلیل غایب بودن ضمیر جمله فعل باید غائب باشد بنابراین (جمع مؤنث غائب) مورد نیاز جمله است.

۴۹- گزینه ۱ پاسخ است.

"لا"ی نفی جنس بر سر اسم می آید و گزینه دوم و سوم فعل است. اسم "لا" تنوین نمی گیرد بنابراین گزینه چهارم نیز نفی جنس نیست بلکه "لا"ی عطف است.

۵۰- گزینه ۲ پاسخ است.

«شیاطین، مساکین، قوانین، ...» کلماتی هستند که جمع مکسر هستند. ممکن است ظاهر این کلمات، ما را به اشتباه بیندازد و ما، آنها را جمع مذکر سالم بگیریم. کلمات گفته شده، غیر منصرف هم هستند ولی در عبارت مورد نظر، کلمه شیاطین، «أل» دارد و غیر منصرفها، در هنگام گرفتن «ال» می توانند حرکت را بپذیرند.

■ عین الأصحّ و الأدقّ في الترجمة أو التعريب أو المفهوم (۳۳-۲۶):

۲۶- « السماوات و الارض كانتا رتقاً ففتقناهما »

۱) آسمان و زمین به هم چسبیده بودند که ما آن دو را از هم جدا کردیم.

۲) آسمانها و زمین، بسته می‌باشند و ما آن دو را از هم جدا کردیم.

۳) آسمانها و زمین، بسته بودند که ما آن دو را از هم جدا کردیم.

۴) آسمان و زمین، بسته بودند که از هم جدا شدند.

۲۷- « مسلمانان پرچم تمدن و فرهنگ را در جهان برافراشتند. »:

۱) قد يرفع المسلمون علم الحضارة و الثقافة في العالم.

۲) رفعوا المسلمون راية الحضارة و الثقافة في الدنيا.

۳) رفع المسلمون علم الحضارة و الثقافة في العالم.

۴) المسلمون رفعن راية الحضارة و الثقافة في الدنيا.

۲۸- « لا تنظروا إلي الدنيا متشائمين قَلِقِينَ، بل الأفضل لكم أن تُواجهوا الحقائق بالرضا و التفاؤل »

۱) به دنیا با بدبینی و نگرانی نگاه نکنید، زیرا شایسته است که با حقایق، راضی و خشنود روبرو شوید.

۲) با بدبینی و نگرانی به دنیا ننگرید، بلکه برای شما بهتر است که با حقایق با خشنودی و خوشبینی روبرو شوید.

۳) بدبینانه و مضطرب به دنیا ننگرید، چون بهتر آن است که شما با رضایت و خوش بینی به حقایق نگاه کنید.

۴) شما به دنیا بدبین و نگران نگاه نمی‌کنید، زیرا رضایت و خشنودی را شایسته خود در مواجهه با آن می‌بینید.

۲۹- « كانت شركة تُعلنُ منذمدة عن حاجتها الى مؤظف لائق »:

۱) شرکتی از مدتها پیش نیازش را به یک کارمند شایسته اعلام کرده بود.

۲) یک شرکت مدتها به یک کارمند لائق نیاز پیدا کرده بود.

۳) شرکت از مدتها پیش نیازش را به یک کارمند شایسته اعلام کرد.

۴) شرکتی از مدتها پیش نیازش را به یک کارمند لائق اعلام می‌کرد.

۳۰- « ما كان التلميذُ يمدحُ نفسه و يتكاسلُ في الدروس. »

۱) دانش آموز خود را ستایش نمی‌کند و در درسها تنبلی نمی‌کند.

۲) دانش آموز نفسش را ستایش نمی‌کرد و در درسها تنبلی نمی‌کند.

۳) دانش آموز خود را ستایش نمی‌کرد و در درس تنبلی نمی‌کرد.

۴) دانش آموز خودش را ستایش نمی‌کرد و در درسها تنبلی نمی‌کرد.

۳۱- « لا شكَّ أنّ أبطالنا سيُفوزونَ على الأعداءِ المطمئنينَ بانتصارهم. » بدون شكّ...

۱) قهرمانان ما، بر دشمنان مطمئن به موفقیت خویش، پیروز خواهند شد.

۲) قهرمانان، بر دشمنان با اطمینان بر موفقیتشان پیروز خواهند شد.

۳) قهرمانان، بر دشمنان پیروز خواهند شد در حالی که به پیرویشان مطمئن هستند.

۴) قهرمانان ما، بر دشمنان که مطمئن به پیرویشان بودند چیره می‌شوند.

۳۲- «يا أبنائي أتعلّمون إرضاء الجميع غايةً لاتصلون إليه»

- ۱) ای پسران من بدانید که راضی شدن همگان، غایتی است که به آن نمی‌رسید.
- ۲) ای خاندان من بدانید که رضایت همه، هدفی است که بدان دست نمی‌یابید.
- ۳) ای فرزندانم آیا می‌دانید که راضی کردن همه، هدفی است که به آن نمی‌رسید.
- ۴) ای فرزندان آیا می‌دانید که خشنود کردن همگان غایتی است دست نیافتنی.

۳۳- «على الطالبات أن يستمعن إلى نصائح المعلّمت حتى يسلمن من الأخطاء» عین الخطأ:

- ۱) دانش آموزان ما، باید به نصایح معلّمانشان گوش فرا دهند تا از اشتباهات در امان مانده باشند.
- ۲) شاگردان باید نصیحت‌های معلّم‌ها را گوش بدهند تا از اشتباهات در امان بمانند.
- ۳) بر دانش آموزان لازم است که به توصیه‌های معلّمان گوش کنند تا از خطاها ایمن باشند.
- ۴) بر دانشجویان است که به نصایح معلّمان گوش بسپارند تا از خطاها سالم بمانند.

■ ■ ■ إقرأ النصّ ثمّ أجب عن الأسئلة (۲-۴-۳۴) بما يناسب النصّ:

فی التمر(خرما) فوائد كثيرة، إنّه يحتوي على فيتامين «آ» بنسبة عظيمة فهو يُساعد على نموّ الاطفال و زيادة وزنهم و لهذا الاطباء يُسمّونه (می‌نامند آن‌را) بـ «عامل النموّ»! يُقوّى التمرُ البصرَ. فسُكّان (ساکنین) الصحراء مشهورون بالرؤية على مسافات بعيدة. و هناك صفة للتمر لانند □ تبه (توجه نمی‌کنیم) اليها كثيراً. فهو يُضيف السكينة (آرامش) إلى النفوس المضطربة! و اذا تناولنا التمر مع اللبن يُصبح غذاء كاملاً يحتوي على الفيتامينات اللازمة للجسم.

۳۴- لماذا سُمّي التمر بـ «عامل النموّ»؟ - لانه...

- ۱) يُعطى السكينة و الوقار لمن اضطرب.
- ۲) يزيد وزن الاطفال و يُخرجهم من الضعف.
- ۳) لذيد يُسبب الازدياد في الشهية.
- ۴) يُقوّى قوة البصر و لا يُقوّى جسم الانسان.

۳۵- عین الخطأ:

- ۱) التمر يُهدئ دىء (آرام می‌کند) الاعصاب و يُقوّيها.
- ۲) العبور من الصحراء يُسبب تقوية قوة البصر.
- ۳) الصحراويون قويت عيونهم بسبب تناول التمر.
- ۴) اللبن يُكمل التمر من جهة الفيتامينات اللازمة للجسم.

۳۶- عین الصحيح:

- ۱) فى اللبن نفس فيتامينات التمر.
- ۲) الصحراويون سَمُّوا التمر بـ «عامل النموّ».
- ۳) الفوائد الموجودة فى التمر لا تختصّ بالعين فقط.
- ۴) أدرك كثير من الناس الفوائد النفسية (الروحية) للتمر.

۳۷- عین الجواب الكامل فى فوائد التمر: «التمر...»

- ۱) مُقوّى للاعصاب فقط
- ۲) مُفيد للعين فقط
- ۳) نافع للجسم و الروح
- ۴) مُفيد للمرضى و الاطفال فقط

■ ■ ■ عین الصحيح فى التشكيل [حركة گذارى] (۳۹-۳۸):

۳۸- «التمر يساعد على نمو الاطفال و زيادة وزنهم»:

- ۱) يُساعد - نموّ - الاطفال - زيادة
- ۲) عالى - نموّ - زيادة
- ۳) التمر - يُساعد - نموّ - الاطفال
- ۴) يُساعد - نموّ - زيادة - وزن

۳۹- «سكّان الصحراء مشهورون بالرؤية على مسافات بعيدة»:

- ۱) الرؤية - مسافات - بعيدة
- ۲) سُكّان - الصحراء - الرؤية - مسافات
- ۳) الصحراء - مشهورون - بعيدة
- ۴) مشهورون - الرؤية - مسافات

■ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْاِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (٤٢-٤٠):

٤٠- « يَحْتَوِي »:

- ١) فعل مضارع - للغائب / فعل مجزوم و فاعله ضمير مستتر
- ٢) مزيد ثلاثي بزيادة حرفين من باب افعال / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر
- ٣) مزيد ثلاثي - معرب / فعل مرفوع و فاعله ضمير «هو» المستتر
- ٤) مبنى للمعلوم - مبنى على السكون / فعل و فاعله ضمير مستتر

٤١- « مشهورون »:

- ١) جمع سالم للمذكر - مشتق و اسم مفعول - نكرة / خبر و مرفوع بالواو
- ٢) اسم - مشتق و اسم مفعول من مصدر « شهرة » - معرب / مبتدأ و مرفوع
- ٣) مشتق و اسم مفعول من مصدر « اشتهار » - معرفة / خبر مفرد و مرفوع
- ٤) اسم مفعول - معرف بالاضافة - ممنوع من الصرف / خبر و مرفوع بالواو

٤٢- « تَنَاوَلْنَا »:

- ١) للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي - مبنى / فعل و فاعله ضمير «نا» البارز
- ٢) فعل مضارع - مزيد ثلاثي من باب تفاعل / فعل و فاعل و الجملة فعلية
- ٣) مزيد ثلاثي بزيادة حرفين من باب تفعل / فاعله الضمير البارز «نا»
- ٤) متعدّد - مبنى للمعلوم - مبنى على السكون / فعل و فاعله «التمر»

■ عَيْنِ الْمُنَاسِبِ فِي الْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (٥٠-٤٣):

٤٣- عَيْنِ الْمَضْرَعِ لَيْسَ مَنْصُوبًا:

- ١) المشركون لم يقاتلوا في سبيل الله!
- ٢) لن يسرف المؤمنون في حياتهم!
- ٣) عليكم أن تجتهدوا في حفظ دروسكم!
- ٤) الدهر مُخلِق الأبدان بعد أن يُعَذِّبها!
- ٤٤- عَيْنِ الْمَضْرَعِ الْمَنْصُوبِ: «التملة حشرة صغيرة و لكنّ جهدها كبير، فليجعل الانسان التملة نصب أعينه ليصل إلى أهدافه!»
- ١) يجعل
- ٢) جهدها
- ٣) يصل
- ٤) نصب

٤٥- عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْوَصْفِيَّةِ:

- ١) نحن وصلنا إلى مدرستنا الكبيرة بعد سير طويل
- ٢) شاهدت المصاعب التي تحمّلتها أمي في حياتها
- ٣) قرأت آيات قرآنية أثرت في قلبي
- ٤) كانت الطالبات يجتهدن في سبيل اكتساب العلم

٤٦- عَيْنِ «لَا» الْنَافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- ١) لا ينجح أحد في الحياة إلا من له همّة عالية!
- ٢) أعلم يا ولدي، لا فائدة في علم لا يستفاد منه!
- ٣) لا تسمح لليأس أن يتسرّب في نفسك!
- ٤) كان الرسول الأكرم (ص) لا يدعُ احترام الأطفال!

٤٧- « الأولاد المجتهدون عند الوالدين » عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:

- ١) يُكْرَهُ رَمُونَ
- ٢) تُكْرَهُ رَمٌ
- ٣) يُكْرَهُ رَمٌ
- ٤) يُكْرَهُ رَمُونَ

٤٨- عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ نَوْعِ « مَا »:

- ١) ما كان عندي نقود حتّى أدفعها لك! = نفى
- ٢) ما تُنفقوا من خير يعلمه الله! = شرط
- ٣) ما أُرسل الله المرسلين إلا مبشرين = نفى
- ٤) نحمد الله الذي له ما في السموات و الأرض = نفى

٤٩- عَيّن الجملة التي فيها علامة الإعراب الفرعية:

(١) رأيت صديقي في الشارع مسروراً

(٣) كان الرازي من الأطباء الكبار في المدينة

٥٠- عَيّن الصحيح للفراغ: « لِيُدافع... عن... العالم »

(١) المسلمين - المستضعفون (٢) المسلمين - مستضعفين

(٢) إنّ الإصلاح بين أخويكم من الأعمال الصالحة

(٤) شاهدت المعلمة سَعِيّ الطالبات في أداء الواجبات.

(٣) المسلم - مستضعفون (٤) المسلمون - مستضعفون

۲۶- گزینه ۳ پاسخ است.

السموات جمع به معنای آسمان‌ها (رد گزینه‌های ۱ و ۴) و کانتارتقاً ماضی بعید (رد گزینه ۲).

۲۷- گزینه ۳ پاسخ است.

اشتیاهات: گزینه ۱: مسلمانان فاعل است پس باید مرفوع بالواو باشد، زمان فعل نیز مطابقت ندارد.
گزینه ۲: وجود هم‌زمان دو فاعل در جمله، «واو» در رفعا و کلمه المسلمون که یکی باید حذف گردد.
گزینه ۴: عدم مطابقت صیغه فعل.

۲۸- گزینه ۲ پاسخ است.

زیرا معادل صحیح کلمات سؤال عبارتند از: «لا تنظروا = نگاه نکنید، ننگرید»، «متشائمین = بدبینانه، با بدبینی»، «قلقلین = با نگرانی، نگران»، «الأفضل لكم = بهتر است برای شما»، «تواجها = روبرو شوید»، «التفاؤل = خوش بینی، خوشبینانه».

۲۹- گزینه ۴ پاسخ است.

كانت تُعلن ← ماضی استمراری ← اعلان می‌کرد

شركة ← نکره است و [شرکتی] ترجمه می‌شود

۳۰- گزینه ۴ پاسخ است.

كان + فعل مضارع ← ماضی استمراری مانند: ما كان يمدح = ستایش نمی‌کرد.

و فعل «يَتَكَاسَلُ» معطوف به فعل اول است بنابراین باید به صورت ماضی استمراری (تنبلی نمی‌کرد) ترجمه شود. و كان فقط یک بار در اول جمله می‌آید

درگزینه (۱) ستایش نمی‌کند و (تنبلی نمی‌کند) اشتباه است.

درگزینه (۲) (تنبلی نمی‌کند) اشتباه است.

درگزینه (۳) کلمه (الدروس) به صورت مفرد (درس) ترجمه شده است.

۳۱- گزینه ۱ پاسخ است.

«أبطالنا» به معنی «قهرمانان ما» و «سيفوزون» فعل مستقبل است و «المطمئنين» صفت کلمه «الأعداء» می‌باشد. درگزینه ۳، «المطمئنين» طوری ترجمه شده است که گویی نقش «حال» دارد در حالی که «صفت» است.

۳۲- گزینه ۳ پاسخ است.

«أ» به معنای «هل» است.

«تعلمون»، فعل مضارع است درگزینه ۱ و ۲، به درستی، ترجمه نشده است. «یا أبنائی»، درگزینه ۲ و ۴، به درستی، ترجمه نشده است.

۳۳- گزینه ۱ پاسخ است.

درگزینه ۱، «ما» در «دانش آموزان ما» و «شان» در «معلمانشان»، اضافی ترجمه شده است.

■ ■ ترجمه متن: در خرما فواید فراوانی وجود دارد که آن به نسبت بسیار زیادی حاوی ویتامین «آ» است که به رشد کودکان و زیاد شدن وزنشان کمک می‌کند و به همین علت پزشکان آن را «عامل رشد» می‌نامند! خرما بینایی را تقویت می‌کند (به همین علت) ساکنین صحرا به (داشتن) قدرت رؤیت فاصله‌های دور مشهورند. خرما صفتی دارد که بسیاری از ما به آن توجه نمی‌کنیم که آن آرامش را در افراد مضطرب افزایش می‌دهد! و اگر خرما را همراه شیر مصرف کنیم به غذایی کامل حاوی ویتامین‌های لازم برای بدن تبدیل می‌شود.

۳۴- گزینه ۲ پاسخ است.

«سُمِّيَ» به معنای «نامیده شده است» می‌باشد.

۳۵- گزینه ۲ پاسخ است.

۳۶- گزینه ۳ پاسخ است.

۳۷- گزینه ۳ پاسخ است.

۳۸- گزینه ۴ پاسخ است.

حرکت گذاری درست عبارت: «التمرُّ يُسَاعِدُ عَلَى نَمُوِّ الْأَطْفَالِ وَ زِيَادَةِ وَزْنِهِمْ □»

زیادة: معطوف به «نمؤ» و مجرور

وزن: مضاف الیه مجرور

۳۹- گزینه ۲ پاسخ است.

حرکت گذاری درست عبارت: « سَكَّانُ الصَّحْرَاءِ مَشْهُورُونَ بِالرُّؤْيَةِ عَلَى مَسَافَاتٍ بَعِيدَةٍ »

سَكَّان: مبتدا مرفوع - الصحراء: مضاف الیه مجرور - مشهورون: خبر مرفوع - بالرؤية: جار و مجرور - علی مسافات: جار و مجرور
بعیده: صفت و مجرور

۴۰- گزینه ۳ پاسخ است.

يَحْتَوِي، فعل مضارع للغائب از باب افتعال می باشد.

۴۱- گزینه ۱ پاسخ است.

حرف «ف» نشانه شروع عبارت است. آن را با «فی» اشتباه نگیرید.

مشهورون، در عبارت مورد نظر، در نقش خبر مرفوع می باشد [کلمه مشهورون، هیچ کدام از انواع معرفه نیست بنابراین نکره می باشد].

۴۲- گزینه ۱ پاسخ است.

تَنَاولَ□□□□ نا: فعل ماضی از باب تفاعل و للمتکلم مع الغیر است فاعلش ضمیر بارز « نا » می باشد.

۴۳- گزینه ۱ پاسخ است.

چرا که «لم» عامل جزم است نه نصب

۴۴- گزینه ۳ پاسخ است.

« ف » نشانه شروع جمله است. « لیجعل » فعل امر غائب یا مضارع مجزوم است. « لیصل » در وسط عبارت واقع شده است و فعل مضارع منصوب است.

۴۵- گزینه ۳ پاسخ است.

۴۶- گزینه ۲ پاسخ است.

لای نفی جنس ، لایی است که بلافاصله بعد از خود اسم بدون ال و تنوین دارد.

۴۷- گزینه ۱ پاسخ است.

يُكَا□□□□ رَمُونٌ: گرامی می دارند.

يُكَا□□□□ رَمُونٌ : گرامی داشته می شوند.

با توجه به معنای عبارت ، گزینه ۱ درست است.

۴۸- گزینه ۴ پاسخ است.

« ما » در اینجا موصول عام است.

۴۹- گزینه ۲ پاسخ است.

۵۰- گزینه ۴ پاسخ است.

جمله در جای خالی اول نیاز به فاعل و در جای خالی دوم نیاز به اسم مجرور دارد بنابراین گزینه ۱ و ۲ بدلیل اینکه با « ین » آمده است غلط است و در گزینه ۳ « مستضعفون » بدلیل اینکه در حالت رفع بکار رفته است و « ن » آن بدلیل اضافه حذف نشده است غلط است.